



حقیقت انقلاب ثور

ادگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

یکشنبه ۲۹ جوزا ۱۳۶۲
June 19, 1983
شماره ۲۴۰ سال سوم
شماره مسلسل ۵۵۳
مال تأسیس ۱۳۵۹

تاج الدین سر باز خاوندی:

تا محو کامل ضد انقلاب ترخیص نمیگیرم

تاج الدین سر باز قوماندانی خاوندی ولایت کندز که در علاقه داری علی آباد مصروف خدمت است و در عده زیادی از عملیاتهای محاربه و بسیج اشتراک نموده، طی مصاحبه یی گفت:

مدت دو سال میشود که داوطلبانه در قوماندانی خاوندی ولسوالی علی آباد به صفت سر باز در سنگر مبارزه قرار داشته و عضویت حزب دموکراتیک خلق افغانستان را نیز حاصل نموده ام و تا زمانیکه باند های تروریست و آدمکش این اجیران اجنبی نابود نشده باشند ترخیص خویش را اخذ نمیدارم.

وی به سخنانی ادامه داده (در قریه قو شقاق با یک

باند سی نفری رو برو شدیم بار فقای همسنگر خویش ده نفر شان را ازبازار آوردیم وعده دیگر را دستگیر نموده ده میل سلاح مختلف النوع از آنها بدست آورده و آنها را تحویل قوماندانی خاوندی علاقه داری علی آباد نمودیم. همینطور در قریه چیت کندز و قریه دشت کند هاری هم عده از اشرار را نابود کرده وعده راهم دستگیر نمودیم باید بگویم که در همه عملیاتها همکاری بین قطعات خاوندی، اردو و مردم زیاد بوده است به طور مثال در عملیات که در قریه میر شیخ اجرا نمودیم چند تن از اعضای گروه های مداخلین انقلاب با سر بازان خاوندی بخاطر پاک کاری قریه متذکره یکجا بودند در آن

منطقه اهالی از محل اشرار بما را پیور داده بودند، ما هم با استفاده از اراضی بالای آنها تعرض نمودیم، درین زده خورد یک نفر از قوما ندانان یکی از گروپهای باند گلبدین ازبازار آمد و دو نفر دیگر از قوماندانان این باند را با دو میل سلاح نوع ماز کول امریکایی زنده دستگیر نمودیم. وی همچنین توضیح داد: اطلاع حاصل نمودیم که در قریه کند هاری دزدان برای ربودن اموال به آن قریه رفته اند. ما توانستیم تمام شان را محاصره کنیم، در وقت زرد خورد تعداد زیاد آنها از پادرس آمد و هم سلاح و مهمات و یک عراده موتوسایکل آنها را که قبلا دزدی کرده بودند بدست آوردیم وی در رابطه با رویه افسران با

بامدا فعین انقلاب

پشاور رسیدیم، مدت چهار ماه در آنجا پسر بردیم پس از یک سلسله فرا گیری اشکال فعالیت های تخریبی بما اسلحه داده شد و دو باره بر گشته به کوه صافی آمدیم دشمن خانواده و زادگاهش را رها کرده و به کوه و دشت متواری شده بود و اکنون با درک حقایق راه انقلاب به صف مداخلین انقلاب پیوسته با یزاد آوری از خاطرات سه سال قبلش لب به سخن گشوده گفت:

در سال ۱۳۵۸ متعلم صنف یازده لیسه این سنجا بودم، در یکی از شب ها به قریه ما دسته از دزدان حمله آورده و با تهدید و تخویف مرا وادار نمودند تا دست از تحصیل برداشتم با آنها پیوند نمیگذاشتم اگر چنین نمیکردم آنان پدر و مادر مرا مورد اذیت و شکنجه قرار میدادند، بناچار با آنها رفتم پنهان دست هاوار تفاع کرده را با پای پیاده و تحمل مشقت زیاد بیموده بالاخره به

خواجیه حیات الله جوانی (۲۷) ساله را در حالیکه قبضه تفنگ را در دست میفشرد در قریه ده یحیی ولسوالی ده سبز ملاقات نمودم. او که قبلا به اترخواهی دشمن خانواده و زادگاهش را رها کرده و به کوه و دشت متواری شده بود و اکنون با درک حقایق راه انقلاب به صف مداخلین انقلاب پیوسته با یزاد آوری از خاطرات سه سال قبلش لب به سخن گشوده گفت:

در سال ۱۳۵۸ متعلم صنف یازده لیسه این سنجا بودم، در یکی از شب ها به قریه ما دسته از دزدان حمله آورده و با تهدید و تخویف مرا وادار نمودند تا دست از تحصیل برداشتم با آنها پیوند نمیگذاشتم اگر چنین نمیکردم آنان پدر و مادر مرا مورد اذیت و شکنجه قرار میدادند، بناچار با آنها رفتم پنهان دست هاوار تفاع کرده را با پای پیاده و تحمل مشقت زیاد بیموده بالاخره به

همبستگی با دولت انقلابی

مردم زحمت کش علاقه داری کنگد خاوند ولایت هرات طی گرد همایی در مرکز آن علاقه داری یکبار دیگر آمادگی شانرا دو تطبیق بر نامه های مترقی دولت، دفاع از انقلاب ثور و دست آورد های تاریخی آن ابراز کردند.

در این گرد همایی پس از آنکه آمرزون شمال غرب ووالی هرات به ارتباط اهداف وبلان های مترقی دولت صحبت کردند یک تن به نمایندگی از مردم زحمت کش آن علاقه داری همکاری همه جانبه را در دفاع از دست های انقلاب ثور وعده داد.

طبق یک خبر دیگر برای یکمده از افسران و سربازان قوماندانی خاوندی علاقه داری کنگد و نخود که در دفاع از انقلاب از خود شهاست و قهرمانی نشان داده اند مدال های افتخاری که از طرف هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان منظور گردیده توسط آمرزون شمال غرب توزیع گردید.

کمک به زارمین کندز

بخاطر کمک به زار عین بخته کار و لایت کندز اسی اخیر ماه حمل ۱۳۶۲ به مقدار ۱۸۸۰۲۰۰ تن کنجاره به اشخاص و موسسات توزیع گردیده است.

یک منبع مسوول شرکت سپین زر و لایت کندز به خم رنگار ح.ا.ث ضمن اظهار این مطلب گفت:

از جمله، مقدار ۱۲۰۰۰ تن کنجاره به زار عین بخته کار ۱۳۹۶۴۰ تن برای اتحادیه کوپرتیف های دهقانان، ۱۱۰ تن برای اتحادیه صنفی و ۳۰۲۴۸ تن دیگر بصورت انفرادی به اشخاص مستحق توزیع گردیده است. (رمیخیل خبر نگار ح.ا.ث در کندز)

کار داوطلبانه

کارگران، کارمندان و منسوبین شرکت افسو تر به پیشواز اسامبله جهانی صلح که در پراگ دایر میگردد بر یروز جمعه ۲۷ جوزا در وظایف مربوط شان به کار های داوطلبانه پرداختند. یک منبع شرکت افسو تر گفت بیش از یکصد هزار افغانی از اثر این کار داوطلبانه و دستجمعی به این شرکت نفع عاید گردیده است.

(ب)

در راه دفاع از انقلاب

اما سه نفر از رفقای ما را دستگیر نموده و با سنگ و چوب به قتل رسانیدند. این واقعه سخت بر من و رفقایم تاثیر نمود، ما بیشتر متیقن شدیم که این دزدان غیر از مسلمان کشی، فریب کاری، تخریب و تفتین دیگر هدفی ندارند. اعمال ننگین و دوزخ از انسانیت و اسلامیت این جنایت پیشه گران سبب گردید تا با استفاده از فرمان عفو دولت انقلابی خویش دوباره در صف هموطنان خود قرار گرفته هر گونه تعلق خود را با آن دزدان قطع نمودم. او در حالیکه از اعمال گذشته خویش اظهار ندامت میکرد گفت:

من درک کرده ام که در واقعیت عبادت و مجاهدتی بزرگتر از خدمت به انقلاب وطن و مردم نیست.

در شرق میانه باید اسرائیل از تمام سر زمین های اشغال شده عربی خارج و حقوق حق مردم عرب و فلسطین تامین گردد. (ب)

(ب)

تظاهرات اعتراضیه

هزار ها نفر از باشندگان بندر پیروس یونان در تظاهرات اعتراضیه علیه تمرکز کشتی های جنگی امریکا در این بندر براه انداخته شده بود اشتراک ورزیده اند.

این مظاهرة به ابتکار کمیته صلح و دینا نت بین المللی پیروس براه انداخته شده است.

تظاهرات کنندگان با دادن شعار های مرگ بر پایگاه های امریکا، ما کشتی های جنگی قوای نمبر (۶) امریکا را نمی خواهیم در جاده های شهر راه بینمایی نموده و بعدا جلسه یی را در مرکز آن شهر دایر نمودند. (ب)

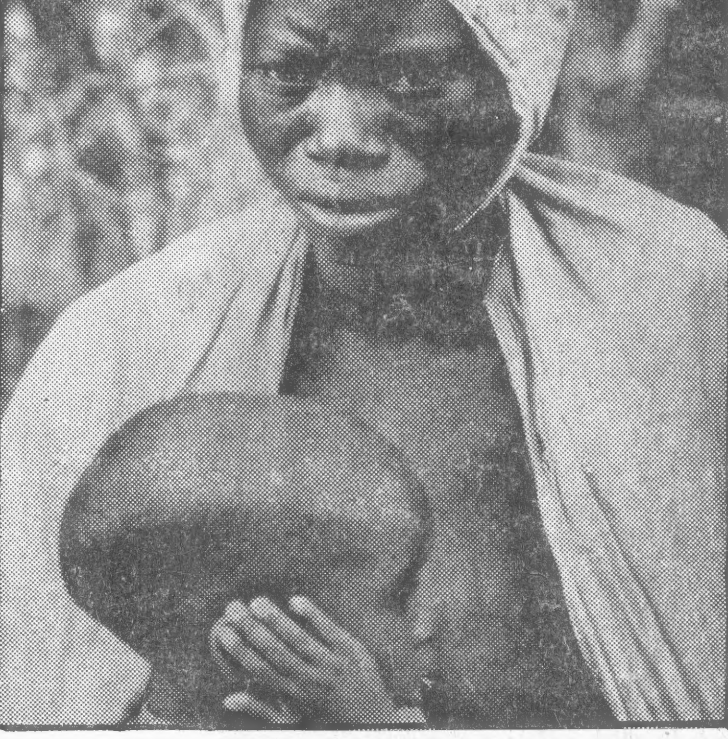
بخاطر صلح پایدار

تقاضای اخیر رفیق اندری گرو میگو وزیر خارجیه اتحاد شوروی برای تدوین یک کنفرانس بین المللی در مورد شرق میانه میبسن سیاست درست اتحاد شوروی در مبارزات مردم علیه پلان های برقرار ری سلطه امریکاییزیم ایالات متحده امریکا و اسرائیل در منطقه میباشد.

این مطلب را روزنامه تشرین چاپ سوریه نوشته است. روزنامه اظهار میدارد که اتحاد شوروی از هر امکان برای صلح استفاده نموده و تقاضا مینماید که بخاطر یک صلح پایدار و عادلانه

مسائلات تسلیحاتی با تشدید فقر مردم تلویجی

ملیون ها انسان سیاه مارا بیا آورده است.



تهدید شبکه ها و مرا قبت از جریان برق در فایر یکه ها، موسسات و مراکز لنیاز مند دقت و احتیاط فراوان است، کارگران وانجیران ما بطور شایسته این وظیفه را انجام میدهند. (عکاسی ح.ا.ث)

مدینه به کنگره «صلح وزندگی» - پراگ.

... که صلح انسان و انسان صلح میخواهد!

شبانگاهان بزم نوریان، زانگو شگرم دختران شوخ ویاها نظر گستردم اندر بیکران پهنای این دنیا نگاهم هر سویی چرخید و اما در شکوه آبی آرام و چشمستان اخترها نبود رلبی، نبود ویا، چنانچون شاهد یکدا نه گیتی: زمین، سزمین، ماوی انسان ها -

...

غرورم چون جلال آسمان جو شید، و عشقم چون بهار گلشن خندید... و لیکن... و لیکن ناگهان روحم، به یاد وحشتی لرزید. نگاهم بر تشن لفظ ید و دلبم بر هول انگیز از پولاد و آهن، زمین را تند در پیچید، و رعدی در فضا غرید: به آهنگ یکنواختی سس اندر شرق و اندر غرب تگرگ «بمب» ها بارید، «اتم» بیداد آغازید، هوا آتش گرفت و بحر هاو بر که ها خشکید... «یوروپ» را، «افریق» را، استخوان هاسوخت، و قلب «آسیا» ترکید، و مغز «امریکا» پاشید... و پایان یافت زیبا یی، و پایان یافت هستی زنده گی در سینه بر مهر این محبوب رؤیا یی.

...

بلی! بلی! تا چون «اتم» بیداد آغازید، زمین مشتت غبار و کائنات آماج آفت شد، قیامت شد، قیامت شد، قیامت شد...

...

همیرفت آدمی را، زندگی را و زمین را دو دو آتش برفک بالا که دیدم آنسو ابلیس و زئوس و اهرمن قهقهه خندیدند، پرومته را و هر مزد داو ایزد را، به صد ها و هزاران نیشخند تلخ کین اندود کو بیدند و خود را فاتحان یک تیرصد هزاران ساله نامیدند.

...

نبود تاب چنین مافوق شوم، در چشم و در گوشم، برفت هو شم، برفت هو شم، برفت هو شم... سحرگاهان دو دست گرم نرم کودکم در گردنم آویخت شکست این مسافر وای وحشت، این کا بوس بر هم ریخت در آن صبح فروزان حیات تازه دانستم: که صلح انسان و انسان صلح میخواهد، پرومته صلح و هر مزد صلح و یزدان صلح میخواهد، که ابلیس و زئوس و اهرمن، مزدود با ید کرد! همه «بمب اتم» را از زمین نابود با ید کرد!

کابل - ۴ جون ۱۹۸۳ (عالم افغان)

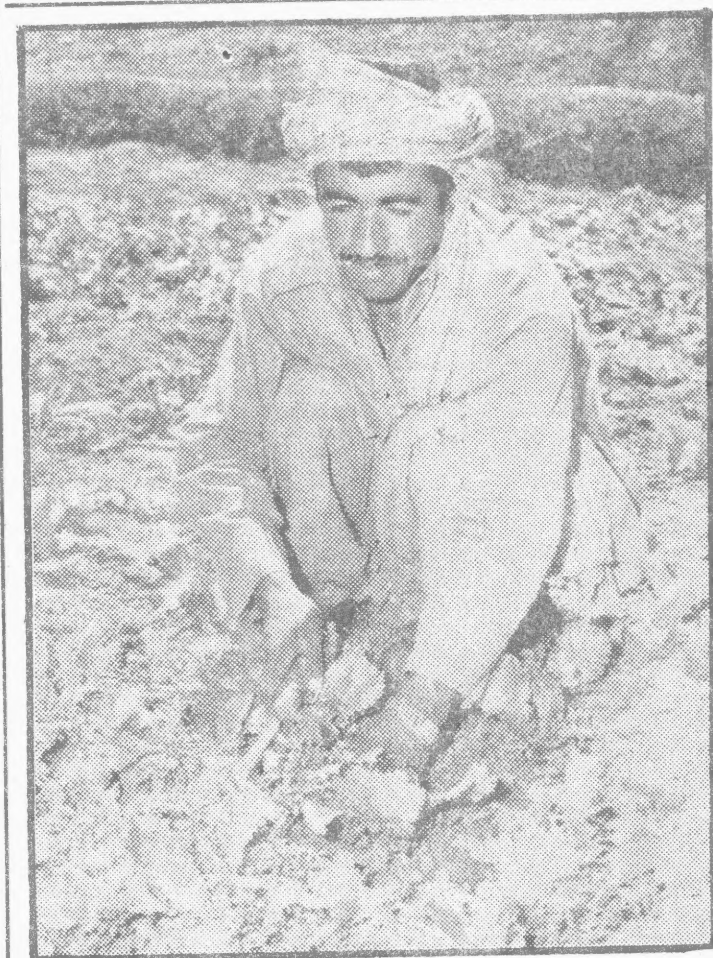
عقد قبر از داد

قرار داد کار مو تشا ژ شبکه چهارم بر قشهر کابل شبکه کند هار و شبکه هرات میان ریا ست پلان و ریا ست سا ختمانی امور برق وزارت انرژی برق عقد گردید . یک منبع وزارت انرژی برق گزار ش مید هد کسه قرار داد شبکه چهار م شهر کابل شا مل نصب ترانسفارمر ۲۵ میکا ولت امپیر در سب ستیشن شمالغرب نصب دو پایه ترانسفارمر ۴۰ میکا ولت امپیر در سب ستیشن جدید شمال واقع میدان هوایی ارتباطاتین ۱۱۰ کیلو ولتاژ لیس موجوده ۱۱۰ کیلو ولت بین سب ستیشن های شرق و شمال غرب الی سب ستیشن شمال بطول ۳ کیلو متر اصلاح ونوسعه سب ستیشن های شرق برینسا کوت شمالغرب شبکه ۱۵ کیلو ولت و تکمیل کار باقی مانده شبکه سو م شهر کابل میباشد .

همچنان در شهر هرات مونتازدو با ب جکشن جدید تمدید لیس های ۳۰ کیلو و لت ، مونتاز سیستم ارتباطی شبکه دیزل های موجوده، تمدید شبکه جدید ۳ کیلو ولت، اصلاح شبکه موجود ۶ کیلو و لت و تمدید شبکه

استقبال از پیوستن گروه های مسلح با دولت

مزاران تن از اهالی شرافتمند ولایت کنده ز اعم از اعضای ساز ما نهایی حزبی و اجتماعی، استاندان، شاگردان، کارگران کارمندان دارا دولتی اخیرا مارش عظیمی را بنحاطر استقبال از جلسه سران گروه های مسلح و پیوستن آنها بدولت انقلابی درجاده چوک مرکزی و چوک سپین زور کندز پرا انداختند . طبق اطلاع خبرنگار ح.ا.ث از کندز در آغاز میتینگ مسوول شعبه تبلیغ تر و یج و آموزش کمیته حزبی ولایتی کندز بیانیه ایراد نموده متعاقب آن مولوی محمد حسن



کار و اندیشه دهمان مین ما معطوف به شکوفائی و سعادت مین و مردم است . هرگز بر آنانکه به دست و دشمنان پشوریت در صد د اخلاقیان کار شریف و این انجمنه انسانی بر می آیند.

ملاقات ها

رفیق صالح محمد زیری عضو بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان قبل از ظهر دیروز در دفتر کارش با فو لکر یونکه عضو بیروی سیاسی حزب سوسیالیست متحده برلین غربی و رئیس اتحادیه جوانان سوسیالیست کارل لیکنیخت ملاقات نمود . طی این ملاقات دوستانه رفیق صالح محمد زیری در رابطه به شرایط دشواری زندگی زحمت کشان افغانستان قبل از انقلاب تور صحبت نمود . پیرامون تشکیل جبهه ملی پدر وطن و اهداف آن مطالبی بیان نمود .

قرار یک گزارش دیگر هیات اتحادیه جوانان سوسیالیست کارل لیکنیخت دیروز از موزیم سلاح های کازا ضد انقلاب به غنیمت گرفته شده است باز دید بعمل آورد.

رفیق محمود بریالی عضو علی البدل بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان دیروز در دفتر کارش با نگوی سی هوات سفیر کبیر جمهوری سوسیالیستی ویتنام ملاقات تودیدی نمود. دور ماموریت سفیر کبیر عوصوف اخیرا در افغانستان به پایان رسیده است .

جلسه کمیسیون

انسجام و بررسی

اصلاحات ارضی

جلسه کمیسیون انسجام و بررسی اصلاحات دموکراتیک ارضی مربوط طاهر جلال آباد اخیرا در مقر کمیته حزبی شهر جلال آباد دایر گردید . در آغاز جلسه آمرگروپ ششم عملیاتی اصلاحات دموکراتیک ارضی شهر جلال آباد گزارش فعالیت های گروه متذکره را ارائه کرد و پس از بحث و مذاکره روی آن تصمیم لازم در زمینه اتخاذ شد . (ب)

۴۰۰ ولت تمدید و اصلاح شبکه سابقه صورت خواهد گرفت. در شبکه کند هار تمدید لین ۱۱۰ کیلو ولت اعمار سب ستیشن تمدید و اصلاح شبکه فعلی ، تمدید شبکه جدید، اعمار جکشن های جدید تمدید شبکه ۴۰۰ و لت جدید و اصلاح شبکه سابقه مل میباشد .

منبع وزارت انرژی برق علاوه کرد که کار مونتاز شبکه چهارم شهر کابل به همکاری کمپنی الکترو تخنیک دولت دوست جمهوری دموکراتیک آلمان و همچنان کار مونتاز شبکه هرات و کند هار به همکاری کمپنی واپکوس هند و موسسه خدمات انجنیری آب و برق صورت میگردد. سازمان آلات پروژه شبکه چهارم به مبلغ (۳۹۶۵۳۰) دالر با استفاده از گریهت ۲۰ میلیون دالر دولت دوست جمهوری دموکراتیک آلمان از کمپنی ایتالی نامو کراتیک خریداری وسامان آلات قسما به ساحه مواصلت کرده است .

همچنان سازمان آلات شبکه کند هار و هرات به مبلغ (۹۱۲۴۶۶۹) دالر با استفاده از قرضه سیزده میلیون دالر کشور دوست جمهوری دموکراتیک آلمان از کمپنی ایتالی آلمان دموکراتیک خریداری گردیده و از شروع قرار داد تاکنون اکثر اسامان آلات به ساحه کار مواصلت کرده است .

جلسه نمایان حزبی

جلسه نمایان حزبی قوماندهانی لوا ی نمبر یک سرحدی ننگرهار اخیرا در اطابق تنویر سیاسی آن قوماندهانی دایر شد . در جلسه بعد از آنکه گزارش اساسی توسط قوماندهانی لوا ی نمبر یک سرحدی قرائت شد شش تن از اشتراک کنندگان به ارتباط گزارش اساسی کردند .

در اخیر معاون کمیته حزبی ولایتی ننگرهار و همچنان نماینده آمریت سیاسی قوماندهانی عمومی قوای سرحدی کار جلسه را مثبت ارزیابی کردند .

(ب)

قرار داد جمعی

قرار داد جمعی بین آمریت عمومی دستگا هسا ختمانی افغانی ولایت بلخ و اتحادیه صنعتی آن آمریت طی مراسمی عقد گردید .

قرار داد را آمر دستگا هسا ختمانی افغانی و مسوول اتحادیه صنعتی آن آمریت امضا و اسناد آن مبادله شد .

(ب)

حرف های پیرامون :

صلح و زندگی

سوال : محترم داکتر عبدالواحد سربانی ! لطفاً نظر خود را پیرامون اهمیت صلح و صلح جویان در افغانستان و هیچ فردی بهتر از افراد ملت افغانستان خیر و صلاح ما را نیکو تراز ما درک و تشخیص نمی تواند . دوستان ما آنانند که طالب اتحاد افراد ملت ما ، آبادی و بقای سعادت تمدن مملکت ما میباشد . یگانه راه حل دائمی و پایدار رفع سوء تفاهات و آزدگی در داخل و حل اختلاف با خارج ، راه مستقیم مذاکره و مقابله در فضای حسن نیت و صداقت بی قید و شرط است . جنگ و استعمال اسلحه هیچگاه و وسیله معقول و انسانی برای رفع اختلاف طوری که آن راه حل واقعی و پایدار باشد ، نبوده و در آینده هم نخواهد بود . سوال : به نظر شما چه نیرو های در برهم زدن صلح در جهان تلاش می کنند . جواب : نیرو های درجهان طالب جنگ و دشمن صلح شمرده میشوند که به مقام انسانیت و ارزش های انسانی احترام می قایل نمی باشند . انسان صرف در فضای صلح و امنیت می تواند کار کند، تولید نماید ، برای خود ، فامیل خود ، مردم خود و جامعه انسانی مصدر خدما تی گردد که وظیفه انسانی یک فرد در جامعه انسانی است . ارزش های بسیار گرانبه را که ما امروز در ساحات مد نیت، علم کلتور و تخنیک از گذشتگان به ارث گرفته ایم بهترین و ناب ترین آنها صرف از برکت فضای صلح و آرامی در هنگام ایجاد و تشکیل آن ، به وجود آمده است. آنانیکه طالب جنگ اند دشمن مدنیت و بقای بشریت اند .

سوال : لطفاً نظر خود را در باره جرگه های وطنی در امر تأمین صلح سرا سری در وطن ما ابراز نمایید . جواب : یکی از عفتناست بسیار پسندیده و پس از ششند مردم جامعه ما پابندی به رسوم و رعایت سنن جرگه های ملی ما است . مردم ما هم به پیروی از سنت های پسندیده ملی و قومی خویش و هم به پیروی و احترام به عقاید دینی خویش که اطاعت از حکم (وشاورهم فی الامر) است جرگه ها و مرگه های ملی خود را سخت از چ میگردانند . تغییر و تحول گامی به صورت آگاهانه و زمانی بطور ناگاهانه در ذهن مردم سبب بروز مشکلات و اختلافات میگردد . انسان را که خداوند برایش مغز و زبان عطاء کرده نعمتی است بس عظیم . پس افراد هر قدر عاقل تر و کا ملتر باشند به همان پیمان از تفکر و افاده استفاده می کنند . جرگه ها و مرگه های قومی بهترین وسیله است که تعقل و افاده احساس و ادراک استفاده کرد و به قضاوت عقل سلیم و کمک اندیشه ژرف برای رفع اختلاف و سوء تفاهات استدلال نمود .

من ایمان دارم که اگر راه مذاکره در جرگه های قومی باز باشد و مردم فرصت یابند تا صادقانه و صمیمانه تمام دردها و خوا هشات مشکلات و آرزو های خود را به شکل ملی صمیمانه و برادرانه بدون خوف و ریا در میان بگذارند ، بگویند و بشنوند و جانبین صادقانه عمل کنند ، یقین است که به زودی و سهولت فضایی مطلوب صلح ، امنیت، اعتماد متقابل و اخوت واقعی ایجاد میگردد .

(ح.ا.ث)

همه چیز . من خودم را از اردی شان ، از دیوار های سوخته از قبرستان ها پنهان مینمودم ، من از انسان اردی شان ، از انسان وطنم می هراسیدم . من نمیتوانستم خودم را بکشم ، من میترسیدم زمین وطنم مرا نپذیرد . ● ● ●

یکبار جرگه در من امید زنده ماندن داد . لول تفنگم را از شقیقه ام که لحظاتی قبل می خواستم به همه چیز خاتمه دهم ، دور ساختم : چرا شیطان زنده بماند ؟ چرا از دی شان هابوسزند ؟

چرا انسان بمیرد ؟ چرا شیطان زنده است ؟ لول تفنگم را بر گردانیدم : علیه شیطان ها ، علیه داکتر شیو ها ، علیه ظلم و آتش سوزی ها ، علیه هر چه زشت و ناپاک است ... امروز من به حیث انسان گنهگار می خواهم خونم را در راه انسان های اردی شان ، در راه انسان های وطنم قربانی کنم ...

«آردی شان» نام قریه است در کشم بدخشان . «یحیی هارونه

نید . زن شعله های آتش را که از کلکین های کوچک خانه به بیرون زباله می کشید، دید . او بلند تر چرخ زد : - خدایا اولاد هایم . اولاد هایم می سوزند ... آخرین فریاد های زن که ضعیف تر می شد، مرا بخود آورد . من دیدم ، زن با طفل در برابر شعله های درواز خانه به زمین خورد . شعله تمام خانه را در بر گرفته بود . از درون شعله ها فریاد های سو ختم سو ختم ، رحم کنید ... رحم کنید با چرخ و ناله های کود گانه به بیرون راه می یافت . این ناله هارمرا تکان می داد من دیدم زن می میرد ، یکبار احساس کردم جهان میمیرد . در روشنائی شعله ها چهره داکتر شیر را دیدم . به نظرم بیگانه آمد . من سالها بود که وی را می شناسختم و ی به حدی به نظرم کریح آمد که نتوانستم به طرف وی ببینم . ناله هارمرا گامی صدای چوبهای سوخته سقف گهمی شکستند ، می کشید . چشمانم به جسد زن افتاد . چوب سوخته سر دروازه در نزدیکی و ی به زمین افتید و لباس زن آتش

آزادی شان» میمرد

چرخ کشید : - نمیدانم به خدا نمیدانم . - بسوزانید . بسوزانید ... زن دیوانه وار به عقب دوید و گریه کنان فریاد کشید :

- رحم کنید ، به اولاد هایم رحم کنید . یکی از ما گیلن پترو را برام ، در درواز خانه پاشید و بگوگرد زد . خانه آتش گرفت . زن فریاد کشید : - اولاد هایم . به آنها رحم کنید ...

زن دیوانه وار و چرخ زنانه به طرف خانه و اولاد ها پیش دوید . هنوز به درواز نرسیده بود که ماشیندار به صدا آمد . آنکا زمین لرزید و بزرگترین فاجعه به وقوع پیوست . زن در جوار درواز در خون غلطید زن هنوز هم چرخ میزد : - اولاد هایم . آنها می سوزند ...

خانه بیشتر آتش می گرفت . زن نیم خیز شد ، طفلش را که ناله میکرد از زمین خواست بر دارد ، نتوانست و دوباره به زمین خورد . زن خودش را به طفل نزدیک ساخت و او را در آغوش کشید . شعله های آتش از کلکین ها به بیرون زباله می کشید . زن نمرده بود . او بار دیگر خواست بر خیزد . دستش را روی زخمش گذاشت ، نیم خیز شد و رویش را برگردا

آرد قریه بعد از د و روز

سکوت مرگباری حکمفرما گردید . دوروز بود صدای فیر های ثقیل و مسلسل تفنگ ها قطع نگردیده بود ، فقط گاه گاه می منفرد فیر میگردید و صدای فیر با صدای ناله و غوغای سنگ ها در گوشه ها می پیچید .

عصر بود که محاصر و شکست و افراد داکتر شیر مفرورانه داخل قریه گردیدند افراد جمعیتی نیست و نابود شده بودند . داکتر شیر درین قریه دنبال مهمات جمعیتی ها میگردید ، افراد داکتر شیر بریه را زیرورو کردند ، گوشه ها پوی خون میدادند ، در هر کنجی جسدی افتیده بود ، از خانه ها صدای شیون به گوش میرسید . جمعیتی ها مردان و زنان قریه را در خط اول قرار داده بودند تا افراد داکتر شیر بر قریه حمله نکنند . اما افراد داکتر شیر رحم نکردند . زنان و بانه به با مهار فتنه و از میان گوشه چادر های بزرگ الوان به گوشه ها، بسته جویبار های خونین و به اجساد میدیدند . گاهی زنان با شیون و ناله های وای خدایا مرگم بده ... از بالای بام ها به گوشه ها می دویدند و درین گوشه ها دیوانه وار اجساد عزیزان شان را می پالیدند و وقتی با افراد داکتر شیر بر میخوردند ، دوباره با چرخ و وحشت را می خانه ها می گردیدند ...

تاریکی کم کم به اردی شان سایه می افکند ، تلاش

داکتر شیر آرزو پرسید : - مهمات ، مهمات کجا - است ؟ زن که سرش برهنه بود ، دستش را به سرش ماند و گریه کنان گفت :

- به سر اولاد هایم ، به خدایم میخورم ، کدام مهمات من هیچ چیز را نمی فهمم .

- اگر نگویم می کشمت ... - رحم کنید . من چه بایدم کم ، شما چه میخواهید ؟

- مهمات کجاست ؟ زن طفلش را در آغوش اش محکم فشرد . به اطرافش نگاه کرد ، بعد گریه کنان

متن بیانیه رفیق ی.و.ا. اندروپوف در پلینوم کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش

(قسمت دوم)

رشد مناسبات تولیدی امروز، تقاضای جدیدی را در برابر سازماندهای مسابقات کار سوسیالیستی قرار میدهد. اکنون یکی از اشکال اساسی آن، مسابقه بخاطر اجرای کار بیشتر از پلانهای تولیدی میباشد. ضمناً بطور عموم بخاطر شرایط خاص کمی آن، در اکثر حالات این مطلب مانده گذشته درست به اثبات رسیده است. مخصوصاً در صنایع معدنی، فکر میگردد لازم است که اکنون توجه عمده به آن مقاصد مسابقات کار مانند ارتقای کیفیت محصولات، بهبودی استفاده از قدرت تولیدی، مواد خام، انرژی و وقت کار مبذول گردد. البته اقتصاد سنجیده شده یعنی اقتصاد در همه جا، از یک تن فلز تا یک کیلو گرام نان، به طور عموم باید گفت که اشکال مسابقات کار سوسیالیستی مانده سایر ابتکارات اجتماعی و جنبشهای توده ای چیسز منجمدی نیست که برای یکبار و همیشه باشد. این اشکال در رابطه به سطح آبدیدگی مادی و معنوی جامعه تغییر می یابد. توجه به موقع به آن، پشتیبانی و توسعه همه عناصر مفید و حیاتی بخش و گسترش همه ابتکارات مفید و سازنده به عهد، حزب است.

رفقا! در کنگره بیست و ششم ما به صورت دقیق ضرورت تأمین روابط نزدیک میان سیاست اقتصادی و اجتماعی را اعلام داشتیم. این مطلب روشن است زیرا هدف نهایی ماسعی ما در ساحت اقتصادی بهبودی شرایط زندگی، خلقهاست. ما باید در موقع طرح پلانهای اقتصادی، عوامل رشد جامعه یعنی عوامل اجتماعی را در نظر بگیریم، در کشور ما هر شهر و منطقه حق این نعمات مادی را که با کار مفید اجتماعی آن مطابق می باشد، دارد. فقط در این امر و اینجا محاسبه دقیق برنده و مراعات جدی این اصل عمده می باشد. تکمیل مناسبات تولیدی همچنان به صورت اساسی بهبود پلان گذاری واداره را تقاضا می نماید. در جامعه ما در تشکیل مجتمع اقتصادی ملی کشور، تجارب معین در جهت پلان گذاری کاملاً نظریه مناطق و نظر به پراهم های اساسی اقتصاد اندوخته شده است. نمونه های اخیر عبارتند از پروگرام غذایی و انرژی، پروگرام انرژی، سند معتبر دارای اهمیت دور نمای و در نوع خود پروگرام الکترونیکی-سیون در شرایط معاصر میباشد.

ما اکثر افراد مولد ارتقای سطح زندگی را مورد استفاده قرار میدهم. اما بعضاً آنرا به صورت اختصار تفسیر نموده و درین زمینه صرف رشد عواید اهالی و تولید مواد استهلاکی در نظر گرفته می شود. در حقیقت مفهوم سطح زندگی به مراتب وسیع تر و غنی تر است. در اینجا ارتقای دایمی سطح آگاهی و فرهنگ مردم بشمول معیشت، سلام و آواشنیای که من آنرا کلتور مصرف عاقلانه مینامم، می باشد. درینجا هم نظم نمونه و اجتماعی و تغذیه درست و مفید هم کیفیت خدمات عامه به صورت عالی (که وضع این امر در کشور ما هنوز خوب نیست) در نظر میباشد. درینجا از نقطه نظر زیبایی شناسی اخلاقی استفاده از وقت اضافی، در آن شامل است. خلاصه هر آنچه که در مجموع تمدن سوسیالیستی ارزشی داشته باشد، شامل می گردد.

بهبود شرایط تهیه منزل برای رشد مناسبات تولیدی امروز، تقاضای جدیدی را در برابر سازماندهای مسابقات کار سوسیالیستی قرار میدهد. اکنون یکی از اشکال اساسی آن، مسابقه بخاطر اجرای کار بیشتر از پلانهای تولیدی میباشد. ضمناً بطور عموم بخاطر شرایط خاص کمی آن، در اکثر حالات این مطلب مانده گذشته درست به اثبات رسیده است. مخصوصاً در صنایع معدنی، فکر میگردد لازم است که اکنون توجه عمده به آن مقاصد مسابقات کار مانند ارتقای کیفیت محصولات، بهبودی استفاده از قدرت تولیدی، مواد خام، انرژی و وقت کار مبذول گردد. البته اقتصاد سنجیده شده یعنی اقتصاد در همه جا، از یک تن فلز تا یک کیلو گرام نان، به طور عموم باید گفت که اشکال مسابقات کار سوسیالیستی مانده سایر ابتکارات اجتماعی و جنبشهای توده ای چیسز منجمدی نیست که برای یکبار و همیشه باشد. این اشکال در رابطه به سطح آبدیدگی مادی و معنوی جامعه تغییر می یابد. توجه به موقع به آن، پشتیبانی و توسعه همه عناصر مفید و حیاتی بخش و گسترش همه ابتکارات مفید و سازنده به عهد، حزب است.

اهالی بوجود آمده است، اما با وجود آن مساله مسکن برای بسیاری بحیث مساله مبرم باقی مانده است. این پرابلم را در آینده نزدیک حل ساخته، هر فامیل اپارتمان جداگانه خواهد داشت. لکن لازم است تا توزیع منازل مانند دیگر نعمات به صورت عادلانه بوده و خاصاً با در درست به اثبات رسیده است. مخصوصاً در صنایع معدنی، فکر میگردد لازم است که اکنون توجه عمده به آن مقاصد مسابقات کار مانند ارتقای کیفیت محصولات، بهبودی استفاده از قدرت تولیدی، مواد خام، انرژی و وقت کار مبذول گردد. البته اقتصاد سنجیده شده یعنی اقتصاد در همه جا، از یک تن فلز تا یک کیلو گرام نان، به طور عموم باید گفت که اشکال مسابقات کار سوسیالیستی مانده سایر ابتکارات اجتماعی و جنبشهای توده ای چیسز منجمدی نیست که برای یکبار و همیشه باشد. این اشکال در رابطه به سطح آبدیدگی مادی و معنوی جامعه تغییر می یابد. توجه به موقع به آن، پشتیبانی و توسعه همه عناصر مفید و حیاتی بخش و گسترش همه ابتکارات مفید و سازنده به عهد، حزب است.

پیش بینی در قسمت رشد هرچه وسیعتر پایه های کورپرا-تیفی و جلب وسایل موسسات در ساختمان امکان دارد. ضمناً نه تنها در مورد منازل نشیمن، بلکه بطور مثال استراحتگاه ها، منازل برای کهنسالان، جایگاه این امر امکان دارد. ضرور میباشد، چنانچه این امر نه تنها از لحاظ اقتصادی مفید بوده، بلکه احساس کلکتیویزم، احساس اشتراک مستقیم را در حل مسائل اجتماعی در وجود مردم تربیه می نماید.

تکمیل سیستم مکافات مادی کافی نیست. باید به اندازه کافی کالای مورد تقاضای مردم بیشتر تولید گردد. ضمناً معیار کیفیت بدون تخفیف و عالی ترین آن تعیین گردد. ولی وضع فعلی خیلی متأسر کننده میباشد. مواد اولیه دارای کیفیت خوب، ولی محصولات چنین است که مردم حاضر میباشد تا پول بیشتری به محترک داده و فرآورده دیگری را نظر به علاقه خویش بدست آرند. باید این وضع را اصلاح کرد و به تأخیر نیا نداشت. به خصوص لازم است بدون تأخیر مواد خوراکی را با کیفیت عالی به مردم عرضه نمود. در پهلوی آن لازم است تا به ضرورت تکافوی خودی نیز توجه حد اکثر صورت گیرد. این هم یکی از مسائل عمده پروگرام مواد غذا یی میباشد.

مساله صحت بدون شک در سیاست اجتماعی حزب جای بخصوصی دارد. صحت دموکراتیک نخستین کشوری دارای سیستم صحیح میانی ما در جهان برای همه آشکار است. ولی کیفیت آن تا هنوز مطابق به خواسته های جامعه رشد یافته سوسیالیستی نمی باشد. این مساله در سال های اخیر بارها در فیصله های حزب تذکر یافته است. ولی برای حل این معضله تلاش های زیادی ضرورت است. توجه بیشتر به طب و قایومی که یکی از طرق آن معاینه همه ساله تمام مردم کشور می باشد لازم می آید. زیرا مطلب برسر صحت مردم یعنی امر خیلی مهم چدر عرصه اقتصادی و چه در عرصه پلان اجتماعی میباشد. حل تمام این وظایف بز رگت در عرصه سیاست داخلی حزب به معنی حرکت چشمگیری به سوی جامعه یکسان سوسیالیستی می باشد.

اینها بوجود آمده است، اما با وجود آن مساله مسکن برای بسیاری بحیث مساله مبرم باقی مانده است. این پرابلم را در آینده نزدیک حل ساخته، هر فامیل اپارتمان جداگانه خواهد داشت. لکن لازم است تا توزیع منازل مانند دیگر نعمات به صورت عادلانه بوده و خاصاً با در درست به اثبات رسیده است. مخصوصاً در صنایع معدنی، فکر میگردد لازم است که اکنون توجه عمده به آن مقاصد مسابقات کار مانند ارتقای کیفیت محصولات، بهبودی استفاده از قدرت تولیدی، مواد خام، انرژی و وقت کار مبذول گردد. البته اقتصاد سنجیده شده یعنی اقتصاد در همه جا، از یک تن فلز تا یک کیلو گرام نان، به طور عموم باید گفت که اشکال مسابقات کار سوسیالیستی مانده سایر ابتکارات اجتماعی و جنبشهای توده ای چیسز منجمدی نیست که برای یکبار و همیشه باشد. این اشکال در رابطه به سطح آبدیدگی مادی و معنوی جامعه تغییر می یابد. توجه به موقع به آن، پشتیبانی و توسعه همه عناصر مفید و حیاتی بخش و گسترش همه ابتکارات مفید و سازنده به عهد، حزب است.

این هدف بز رگیست که ما آنرا از نظر تیوریک تصریح نمودیم و چندین نسل کمونیست ها آرزوی آنرا داشتند امروز برای ما مساله بلا واسطه عملی می باشد. زندگی می آموزاند که استقرار جامعه بدون ساختار طبقه ای به صورت عمده و اساسی طوریکه بر می آید در مرحله سوسیالیزم انکشاف یافته صورت میگیرد. این نتیجه گیری کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی، طوریکه واضح است، در رید کسیون جدید بر نام حزب انعکاس خواهد یافت. حزب عقیده دارد که سالها و دهه های آینده در کنار خویش تغییرات چشمگیری را در روبنای سیاسی و ایدئولوژیکی و زندگی معنوی جامعه با خود خواهد داشت.

قبل از همه در مورد رشد سیستم سیاسی کشور خویش، در مورد تکمیل دولتمداری شوروی و توسعه دموکراسی سوسیالیستی سخن بگویم. اکثر مقرر ها درین مورد که در برنام عمل فعلی حزب انعکاس یافته به خصوص بعد از تصویب قانون اساسی جدید اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی عملی گردیده است. روابط نمایندگان و شوراها با اهالی بصورت قابل ملاحظه تحکیم یافته است. جرو بحث های مردمی روی مهمترین مسوده های قوانین قویاً در عمل پیاده گردیده است. فعلیست اتحادیه های مسلکی که اکنون عملاً در برگیرنده همه زحمتکشان در شهر و ده میباشد ارتقاء می یابد، خلاصه کارهای زیادی انجام یافته است. البته نه به آن شکلی که لازم است و باید انجام می یافت. به طور مثال چگونگی اتخاذ تصمیم در مورد مسائل عمده زندگی دولت و جامعه را در نظر میگیریم. امکان دموکراتیزه ساختن آن موجود میباشد.

منظور من از جرو بحث وسیعی روی مسوده های چنین تصامیم در کلکتیف های هر چه بیشتر زحمت کشان با در نظر داشت حتی حرف اخیر اتحادیه های مسلکی کمسول، سازمان های زنان و پر خورده حد اکثر دقیق نسبت به پیشنهادات زحمتکشان می باشد.

آیا نزدیکی فعلیست ارگان های حزبی و دولتی به نیاز مندی ها و منافع مردم و علنیت کامل در کار و گزارش متداول کار کسان مسئول در برابر اهالی کمک نخواهد کرد؟

در برنامه حزب مساله کاوش و اختصار دستگا ادار ی ثبت گردیده است. فکر میکنم که باید این مساله را مانند گذشته با اهمیت شمرد. این مساله هم عملی و هم اصولی و سیاسی بوده لکن آنرا مساله جدی و با اهمیت می شمرد. در کشور ما درین جهت تلاشهای صورت می گیرد و لی کافی نیباشد.

رفقا! متیقن هستیم که بدون صدمه به کار میتوان واحد های اکثر موسسات و سازمان ها را کاهش دهیم. اختصاصی سبکدوش شده، میتوان در جایگاه کمبود کادر موجود است و طیفه اجرا نمایند. البته در رد کسیون جدید برنام حزب موفق بخصوصی چشمگیری را باید موضوع رشد آینده بنیاد های دموکراتیک در اداره تولید احراز نماید.

فردا در جلسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی مسوده نخستین قانون دولت ما، مسوده کلکتیف های کارگری مورد ارزیابی قرار میگیرد. این سند دارای اهمیت بزرگ مهم سیاسی میباشد. بجا ست که این قانون بعد از جرو بحث واقع بینانه مردمی به تصویب میرسد. خیلی مهم است که این قانون در زندگی بصورت همه جانبه تطبیق میگردد.

جریان عادی تکامل جامعه ما بدون رعایت جدی قوانین که حافظ خواسته های جامعه و حقوق اتباع میباشد ناممکن است. خاصاً ضرور است تا با پدید آمدن یاز قبیل موارد استفاده از دارایی دولتی و غامه و استفاده از موفق غرض منافع شخصی خاتمه داده شود. زیرا اگر توجه نماییم این امر چیز دیگری به جز تخریب ماهیت ساختار مانی باشد. درین جا قانون باید آشتی ناپذیر باشد، استفاده از قانون و تطبیق آن بر گشت ناپذیر است. دفاع از منافع مردم یکی از پایه های دموکراسی سوسیالیستی ما میباشد.

رفقا! در برابر یک مطلب دیگر ما باید جنگ واقعی را علیه چنین برخوردی که معیارها و مقررات دموکراتیک را در عمل تحکیم نمی بخشند و صرف به شکل و ظاهر اکتفا میگردد اعلام نماییم.

بطور مثال چه سود از جلسه ای که اکثر با یک سناریوی قبل از آمده شده، دایر میگردد. زمانی که علاقه و جرو بحث صادقانه نبوده، صحبت های سخنان قبل از دیده شده و تصحیح میگردد ابتکارات ویر علاوه انتقادات خفه نه میگردد؟

آیا کار سازمان های اتحادیوی مسلکی که نتواند صدای خود را به دفاع از منافع زحمتکشان و علیه این و یا آن پراگندگی در تولید بلند نماید مفید است؟ و یا فعالیت مفتشین مردمی که به علامت آنها گوش فرا داده نمی شود و تدابیر اتخاذ نمیکردد، ارزشمند است؟

خیلی ها مهم است تا حرف هیچکس از عمل دوری نگزیند و محتوی امر با شکل تغییر نپذیرد. خیلی ها مهم است تا حرف از عمل جدا نگردد و محتوی به شکل تعویض نگردد. این امر یکی از مهمترین ذخایر تکمیل دموکراسی سوسیالیستی ما در تمام حلقهات زندگی دولتی و اجتماعی

میشاید آنچه به دور نای بعید ارتباط میگردد، مسامحت نیست ها آنرا در تکامل دولت شوروی به ادراک خود گردان اجتماع می بینیم. طوریکه ما عقیده داریم این موضوع از طریق تکامل آینده دولت همه مردم جلب هر چه وسیعتر توده ها در اداره امور اجتماعی صورت میگردد. واضح است که این روند به صورت خود بخودی و به اراده نیک کسی انجام نمی پذیرد. این روند مستلزم امکانات مادی جامعه و سطح آگاهی سیاسی و فرهنگی توده ها میباشد.

در یک وینا طر سیر د این مطلب خیلی ها مهم است. نباید راه ها و اشکال انتزاعی گسترش دموکراسی ساخته و پرداخته شود، بلکه باید از زندگی واقعی و آموختن تضمین واقعی بودن مقرر های برنامه می ما در همینجا ست.

رفقا! هویداست که در رید کسیون جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی مسایل سیاست ملی حزب مقام مناسبی را احراز می نماید.

من تاکنون چندین بار متذکر شده ام که تکمیل سوسیالیزم رشد یافته باید سیاست سنجیده شده و علماً تنظیم شده را در بر گیرد. این سیاست بر پایه اصولی استوار است که از جانب لنین توصیه شده است:

برابری کامل همه ملیتها و خلقهای کشور، رشد مستقل آنها در چارچوب اتحاد برادرانه و مشی بلا انحراف در جهت نزدیکی آنها. تحقق این سیاست، تربیت پیگیر همه مردم شوروی را با روحیه انتر ناسیونالیزم سوسیالیستی و درک عمیق از اشتراک منافع همه خلقهای اتحاد شوروی از ما خواستار بوده و میباشد.

رفقا! تکمیل سوسیالیزم رشد یافته بدون کار عظیم در جهت رشد معنوی افراد امکان پذیر نیست. طوریکه درینجا به درستی گفته شد تشکیل انسان از همان سالهای نخستین زندگی او آغاز می گردد. در جریان پلیتوم در مورد کار مکاتب و سایر موسسات تعلیمی ما، زیاد سخن رانده شد. میخواهم یک مطلب را تذکر دهم:

حزب سعی دارد تا انسان در کشور ما نه تنها با حد معین دانش تربیه گردد بلکه قبل از همه تبعه جامعه سوسیالیستی، سازنده فعال کمونیزم مجهز با معیار های ایدئولوژیک، اخلاقی و خواسته ها و فرهنگ عالی کار و سلوک باشد.

وحدت تعلیم و کار تولیدی وسیله خوب تربیت میباشد. لازم است تا مشی تلقین عادت مکتب و عشق به کار مفید قاطعانه به پیش برده شود. این کار میتوانست جسمانی و یا دماغی باشد مگر حتماً کار واقعی، تولیدی و اجتماعی باید باشد.

کار به رشد جسمانی مساعدت مینماید. و لیبی وضع آن در کشور ما خوب نیست. منظور من نه تنها درس و ورزش و اشتغال به فعالیت های ورزشی است بلکه کسب حد اقل دانش در ساحت حفظ الصحة و کمک های صحی نیز میباشد. لازم است تا انسان از جوانی ارگانیزم خود را بشناسد و بتواند آنرا منظم نگهدارد.

بدون از مکتب انسان در کجا میتواند بنیاد های پرورش استتیک را فراگیرد و حسن زیبایی شناسی برای همه عمر کسب نماید، ارزش آثار هنری را درک کند و با آفرینش هنری آشنا گردد؟ البته حل این همه وظایف تلاش روزمان زیادی میطلبد. باید در کنار سایر امور، انتخاب و تربیه کادر های پیدا گویک را با در نظر داشت خواستهای عصر کنونی بهبود بخشید.

ما درینجا، در هیات رئیسه درین باره تبادل افکار نمودیم. فکر میشود که ضرورت می افتد تازوی رفورم مکاتب ما منجمله آموزش حرفه ای تخیلی به صورت جدی غور نماییم.

استراتژی حزبی تکمیل سوسیالیزم رشد یافته باید پر شالوده محکم تیوری مارکسیزم-لنینیزم متکی باشد. ضمناً اگر صریحاً بگویم ما تاکنون جامعه ای را که ما در آن زیست و کار مینماییم به حد لازم نشناخته ایم، قانونمندی های مختص به آن خصوصاً قانونمندی های اقتصادی آنرا به صورت کلی درنیا فته ایم. ازین جهت اکثر مجبوریم طوریکه میگویند به صورت امریکه به شیوه کاملاً نادرست آزمایش، با اشتباه عمل نماییم.

با کمال تا سرف هنوز هم علم نتوانسته است به حل یک سلسله پرابلم های مهم ناشی از اصول و شرایط سوسیالیزم رشد یافته در عمل موفق گردد. منظور من چیست؟ قبل از همه انتخاب مطمئن ترین راه های ارتقای موثریت تولید، کیفیت محصولات، اصول قیمت گذاری های علنی تثبیت شده میباشد و نه تنها این مطلب، زندگی به طور دایمی پرابلم های تازه و تازتری را که بایشرفت جامعه ما ارتباط میگیرد در برابر ما قرار می دهد. علاوه بر آن تجربه

رشد و تکامل سوسیالیستی یک سلسله کشورها، که مستلزم آشنایی دقیق، ارزیابی و تعمیم میباشد، اکنون موجود است. خلاصه اینکه در رید کسیون جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی به نقش علوم اجتماعی در شرایط معاصر در برنامه کنونی در مورد اهمیت ادبیات و هنر در جامعه سوسیالیستی ما سخنان خوبی گفته شده است. همزمان با آن یک عده احکام آن درین مورد به تکامل پیشتر (ص ۹)

متن بیانیه رفیقی. و. اندروپوف...

حزب از آنچه که علم و فرهنگ را غنا می بخشد و در پرورش زحماتش با روحیه معیارها و اصول سوسیالیسم پیشرفته کمک میکند، حمایت مینماید. حزب نسبت به استعدادها، بزرگواران و خلاقان هنر متدبیران احتیاط و احترام بر خورده مینماید و در شکل و شیوه کار هنر مند مداخله نمیکند. لکن حزب نمیتواند ندر برابر محتوای ایدئولوژیک هنر بیعلاقه بماند. حزب همیشه رشد و تکامل هنر را مستمیدهد تا هنر بتواند به منافع مردم خدمت نماید. البته مطلب برسر تداوم سوسیالیسم نیست. شیوه اساسی نفوذ بر آثار هنری باید نقد مارکسیستی-لنینیستی، نقد فعال، دقیق و هنرمندانه باشد. با آثار ازنگاه ایدئولوژیک بیگانه و از نظر حرفه ای ضعیف باشد.

ما همه مشاهده مینماییم که هر پیمانهای که سطح فرهنگ مردم ارتقا مینماید تأثیر هنر بر شعور افراد افزایش می یابد. به همین ترتیب امکانات مداخله فعال و زندگی اجتماعی بالا می رود. این بدان معناست که مسوولیت راجع هنری بخاطر آنکه سلاح پرندگان به امر خلق، به امر کمونیسم خدمت نماید به طور چشمگیر افزایش می یابد.

تجربه تکامل جهانی طی بیست و پنج سال اخیر بر ضرورت تکمیل اکثر احکام پرنا مه که با پراپلم های بین المللی ارتباط میگیرد تأکید مینماید.

تناسب نیرو هادر عرصه جهانی به طور بنیادی تغییر یافته است. مبارزه دوسیمست اجتماعی جهانی به طور پیسابقه ای شدت یافته، همزمان با آن تلاش ها در جهت حل منازعه تاریخی بین این سیستمها از طریق تصادمات به معنای نابودی بشریت میباشد. خصلت رشد آینده مناسبت متقابل بین آنها یعنی مساله حفظ صلح در روی زمین هم امروز و در آینده نه چندان دور مساله اساسی سیاست خارجی حزب ماست. البته نه تنها از حزب ما تهدید جنگ هسته ای که بر جهان سایه افکند است و امیدارد تا مفهوم اساسی فعالیت تمامی جنبش کمونیستی را جدیدا اروزا بی نمود.

کمونیست ها دایم علیه ظلم و استثمار انسان از انسان رژیمه اند و امروز آنان به خاطر حفظ تمدن بشری، به خاطر حق انسان در روی زمین نیز مبارزه مینمایند. این مطلب باید در برنامه مبارزات بایاد.

در عصر ما کشور های سوسیالیستی و سوسیالیست آنها عامل دارای اهمیت بس بزرگ در امر تامین صلح پایدار در روی زمین میباشد. میخوایم بگویم که تحکیم همکاری و یکپارچگی این کشور ها اولین سمت فعالیت بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت اتحاد شوروی را تشکیل میدهد. در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد مناسبات طراز نوینی که بین کشور های سوسیالیستی به میان آمده، تذکر رفته است. لکن دو دهه اخیر تصورات مارا در مورد سوسیالیسم غنا بخشید، واضحاً نشان داد که سوسیالیسم چگونه متنوع و بفرنج می باشد. بین کشور های سوسیالیستی جداگانه تفاوت های بزرگی در اقتصاد فرهنگ، در راه ها و شیوه های حل مسائل رشد و تکامل سوسیالیستی موجود است. این امر طبیعی است، حتی در صورتیکه بعضاً برای ما یکسان جلوه نماید.

تاریخ سوسیالیسم جهانی مویده آنست که ساختار سوسیالیستی همه امکانات را برای ارتقای مطمئن اجتماع و مناسبات متقابل هم آهنگ بین کشور ها ایجاد مینماید. ما مثالهای زیادی را می بینیم که این امکانات بر پایه انحراف سوسیالیسم سوسیالیستی که شامل احترام بدون قید و شرط به حقوق مستقل هر کشور و هم پشتیبانی متقابل رفیقان و کمک متقابل میباشد، تحقق می یابد. لکن طوریکه تجربه نشان میدهد اینها همه به خودی خود صورت نمی پذیرد برای آنکه امکانات تحقق یابند مشی در ست سیاسی لازم است.

بخاطر اشتباهات در سیاست لازم است کفاره آنرا بپردازیم. وقتی که نقش رهبری کننده حزب کمونیست ضعیف میگردد خطر انحراف به سوی راه بورژوازی رفورمیستی، انکشاف به میان می آید. ارتباط حزب با مردم از هم می گسلد و در خالیکا ایجاد شده مدعیان ناخوانده در نقش مدافعین منافع زحمتکشان به ظهور می رسند. اگر به گرایش های ناسیونالیستی پاسخ داده نشود تصادمات بین المللی به میان می آید که در جهان سوسیالیستی پایه و اساس برای چنین تصادمات وجود ندارد.

البته به خصوص مهم است که تفاوت های موجود از رشد همکاری جلوگیری ننماید. تا مین این امر وظیفه مقدس کمونیست ها، احزاب حاکم کمونیستی می باشد. بالاخره آنچه مارا از

هم جدا میسازد به پیمانهای خیلی زیاد کو چکتر از آنست که در بین ما سازندگان جامعه نوین مشترک است. ما پشتیبان دوستی با همه کشور های سوسیالیستی هستیم. آنچه به دوستان نزدیک و متحدان ما، کشور های جامعه سوسیالیستی، ارتباط می گیرد مانظر مشترک داریم: زندگی نه تنها خواستار گسترش همکاری بوده بلکه ارتقای کیفیت و موثریت آنرا نیز می طلبد.

این بدان معناست، اولاً تکمیل هر چه بیشتر عمل متقابل سیاسی که پیمان وارسا و سیله عمده آن می باشد، همچنان تصویر مینمایم که در بین عرصه همکاری های ما هر چه نزدیکتر خواهد بود. البته این همکاری ها در آینده نیز با در نظر داشت خصوصیت های موقف و همچنان متافع و یژه هر دولت توسعه و گسترش خواهد یافت. همزمان با آن مشی مشترک تعیین شده آمیزه نیرو مند نظریات و مواضع کشور های برادر خواهد بود.

ثانیاً ما در جهت سطح کیفیتا جدید همپو نندی اقتصاد تلاش مینماییم، بدون چنین همپو ندی همپن امروز نمیتوان زندگی کشور های جامعه سوسیالیستی را تصور کرد. در آینده این همپو ندی هر چه عمیقتر همه جانبه و موثر بود و تقویت اقتصاد ملی کشور های عضو را به طور اطمینان بخش تا مین مینماید. تلاش های مشترک ما در همین جهت میباشد.

بالاخره در عرصه زندگی معنوی مازدیک هر چه بیشتر خلقهای برادر، حسن تحکیم وحدت، اشتراک سر نوشت تاریخی، توسعه تبادل ارزش های فرهنگی را پیش بین مینماییم. واضح است اینها همه روند های دارای خصلت طویل المدت میباشد. آنها امروز جریان دارند مگر فردا و در دهه های آینده هنوز هم به پیمان نه وسیعتری بیان خواهند گردید و ما اطمینان داریم به هر پیمانه ای که سطح تکامل اجتماعی کشور های سوسیالیستی بالا تر و به هم نزدیکتر باشد به همان اندازه بین آنها تفاهم موجود بود. همکاری های شان زندگی تر، غنی تر و عمیق تر خواهد بود. تحلیل و بررسی عینی و علمی موجودیت اختلاف نظر هایی که درین یا آن موارد بین کشور های جداگانه سوسیالیستی و همچنان بین بعضی احزاب برادر در جنبش کمونیستی وجود آمده اند و جستجوی راه های رفع آنها برپایه

ماز کمین م لنینیزم، راه های تحکیم یکپارچگی کمونیست ها، بدون شک یکی از وظایف پر اهمیت حزب در عرصه بین المللی میباشد. یکی از خصوصیت های بنیادی جهان معاصر که باید در رید کمونیست جدید برنام انعکاس یابد عبارت از نقش فزاینده کشور های آسیا، آفریقا، امریکا لاتین و کشورهای وابسته تسلط استعماری و نیمه استعماری میباشد. پروسه هایی که درین کشور ها در جریان است بفرنج و نامگون بود و باید آنها را درست درک نمود.

در بعضی ازین کشور ها ساختار کاپیتالیستی استقرار یافته است. لکن منافع عینی آنها باسیاست حکمروایی دیکته که از طرف دول امپریالیستی به پیش برده میشود در تضاد است. این کشور ها برای نیل به رفح عقبماندگی اقتصادی به همکاری مساویانه بین المللی و صلح پایدار نیاز مندند. اکثر آنها وسایل تحکیم استقلال خویش را در مناسبات با کشور های سوسیالیستی می بینند. طبعاً ما در آینده نیز مشی همکاری متقابل سود مند با این دولت ها را با در نظر داشت احترام کامل استقلال آنها و عدم مداخله در امور آنها دنبال خواهیم کرد. کشور هایی که در گذشته شامل جهان مستعمرات بودند و اکنون مستغیر ی سوسیالیستی را انتخاب نموده اند به ما نزدیکترند. نه تنها اهداف مشترک ضد امپریالیستی و صلحجویانه در سیاست خارجی بلکه آزمان های مشترک عدالت اجتماعی و ترقی مارا با هم پیوند میدهد. البته ما برنجی های وضع آنها، دشواری های رشد انقلابی آنها را، مشاهده مینماییم. زیرا اعلام سوسیالیسم به مثابه هدف یک امر ولی اعمار سوسیالیسم امر دیگریست. برای این امر سطح معین نیرو های مولده، فرهنگ و آگاهی اجتماعی لازم است. کشور های سوسیالیستی در کنار این دول مترقی قرار دارند. آنها را در عرصه سیاست و فرهنگ کمک مینمایند و آنها را در تحکیم قدرت دفاعی شان یاری میرسانند، ما آنها را تا حدود امکانات خویش در رشد اقتصادی شان کمک مینماییم، مگر به صورت عموم دستیابی به رشد اقتصادی مانند ترقی اجتماعی این کشور ها در مجموع نتیجه کار خلاقه شان و سیاست درست رهبری آنها میتواند باشد. آنچه به جهان سر ما به دار ارتباط میگیرد ما شاهد

تعمیق چشمگیر بحران سرمایه بری این سیستم میباشد. موثریت شیوه های کاپیتالیسم که توانسته بود به کمک آنها ثبات نسبی تکامل خویش را طی دوره بعد از جنگ حفظ نماید به صورت هر چه بیشتر از بین میرود. به صورت خیلی آشکار دیده میشود که: امپریالیسم قادر نیست با پیامدهای اجتماعی انقلاب علمی-تخنیکی که از لحاظ عمق و مقیاس بیسابقه است دمساز گردد و میلیون ها میلیون ها انسان زحمتکش با بیکاری و فقر دست و پنجه نرم مینمایند.

امپریالیسم در تضاد های آشفتنی ناپذیر داخلی و بین المللی، بحران ها و تضاد های اقتصادی آنها باسیاست موضوع عمیقاً ولی به طور نامگون در سیاست کشور های کاپیتالیستی انعکاس یافته است.

ازیک جانب طوریکه گفتیم ما هیت تجاوز گرانه نیرو های مائز ارتجاعی در راس امپریالیسم ایالات متحده امریکا که میخوایم بهر قیمتی مانع تکامل گردد. به طورانی تشدید یافته است. البته چنین سیاستی برای امپریالیست ها پیروزی ای را به بار نمی آورد ولی این سیاست ماجراجویانه برای بشریت خطر بزرگی است. بدین لحاظ این سیاست با مقابله نیرو مند خلقها مواجه میباشد بدون شک هنوز هم تقویت خواهد یافت.

اما در جهان سرمایه داری امروز گرایش های دیگر و سیاستمداران دیگری نیز موجود اند که به طور خیلی ریالستیک وضع را در عرصه بین المللی در نظر می گیرند. آنها میدانند که در جهان پروسه های برگشت ناپذیری به وقوع پیوسته، ضرورت و مشورت دوجانبه، همزیستی مسالمت آمیز دولت ها با نظام های متفاوت اجتماعی را درک مینمایند. ما از جانب خویش بارها این مطلب را تذکر داده ایم و تکرار مینماییم که ما به این امر آمده ایم. ما اطمینان داریم که این امر پاسخگوی منافع خلقها در هر دو جانب صزاری که در جهان را از هم مجزا میسازد میباشد. زیرا پراپلم های زیاد و بزرگی موجود اند که متعلق به همه کشور ها بوده، اهمیت شان هر چه بیشتر گسترش می یابد. به طور مثال، حفاظت طبیعت در سیه ما، دستیابی به منابع جدید انرژی، تسخیر فضا و ذخایر ابحار.

کمونیست ها معتقد ندکه آینده از آن سوسیالیسم است، جریان تاریخ چنین است و لی این مطلب به

کلی بدان معنا نیست که ما میخوایم به «صدور انقلاب» مداخله در امور سایر کشور ها دست زنیم. سوسیالیسم صرف بر شالوده نیازمندی های عینی تکامل اجتماعی هر کشور رشد میکند. ما قاطعانه اعتقاد کامل داریم که سوسیالیسم بالاخره برتری های خود را همانا در شرایط مسابقه صلح آمیز با کاپیتالیسم به اثبات می رساند. ما به طور قطع طر فدار مسابقه در ساحه نظامی که امپریالیسم آنرا بر ما تحمیل مینماید نمی باشیم. همزیستی مسالمت آمیز بطور عینی به توازن نظامی-استراتژیکی مینماید. سوسیالیسم و امپریالیسم مساعدت مینماید. دستیا بی به این توازن، یکی از عمده ترین دستاوردهای دهه اخیر است. این توازن از خلقها و خلقهای سوسیالیست کشور های جامعه سوسیالیستی هزیستی هزینه و نیروی زیادی را می طلبد و مانعی گذاریم که بر هم زده شود. ما در آینده نیز تمام تلاش بخاطر تامین امنیت کشور خود، دوستان و متحدین خود را به خرج داده، قدرت محاروبی نیرو های مسلح شوروی، این عامل نیرو مند استادگی در برابر تحولات تجاوز گرانه ارتجاع امپریالیستی را از قاء خواهیم بخشید و اما در صورتیکه موفق گردیم که سطح تسلیحات و مصارف نظامی را از هر دو جانب کاهش دهیم و به خلع سلاح، چیزی که مافالانه بخاطر آن تلاش میکنیم. بپردازیم، این امر موجب بزرگی برای تمام کشور هاو خلقها ست.

هدف ما، نه تنها جلوگیری از جنگ است بلکه ما در جهت بهبود بنیادی مناسبات بین المللی، تحکیم و انکشاف تمامی بنیاد های نیک درین مناسبات هستیم. ما به حقوق مستقل کشور ها و خلقها احترام عمیق گذارده، اصول حقوقی بین الدول را که امپریالیسم معمولاً سعی میکند بدو را اندازد و پایمال کند بطور جدی مراعات میکنیم.

خلاصه اینکه، در عصر ما سوسیالیسم در ست پیمان به پیگیری نه ترین مدافع اساسات سالم در روابط بین المللی، منافع دینا نت و صلح، منافع هر خلق و تمام بشریت عرض اندام میکند. در رید کمونیست جدید برنامه ح.ک.ا.ش. در باره همه این موارد با یستی بطور واضح ذکر شود.

رفقا! اجرای وظایف سترگی که در برابر کشور قرار دارد، ارتقای بعدی نقش رهبری

کننده حزب را مستلزم است. بدین منظور حزب با یستی بطور مداوم اشکال و میتود کار مربوط به خود را بهبود بخشید.

با این محاسبه در برنامه ح.ک.ا.ش. یک سلسله اقداماتی که هنوز هم مستلزم عملی شدن در زندگی است، وجود دارد. مسایل جدید بروز میکند. بطور مثال تا مین تقسیم درست و ظایف ارگان های حزب و دولت در عمل خیلی مهم است، بارها گفته شده که ارگان های حزبی باید نقش ارگان های دولتی را تعویض نمایند، مگر همیشه ما به این امر موفق نمیشویم. این امر در نتیجه اکثران تقلیل مسوولیت آمران ارگان های دولتی، و پایین آوردن مسوولیت ارگان های دولتی و شعی، در جهت گذاشتن این وظیفه به عهده ارگان های حزبی می گردد که بالاخره منتج به عنا صر بر خورد اداری نسبت به امور می شود.

انکشاف بعدی دموکراسی داخل حزب، ارتقای فعالیت های سازنده، ابتکار و مسوولیت کمونیست ها ذخیره بزرگ حزب میباشد. به هر پیمان که ایکه کمونیست ها شجاعانه و مشخص عمل کنند، مسایل مبرم زندگی حزبی و کشور را مورد بحث قرار دهند و در تحقق فیصله های اتخاذ شده شرکت ورزند، به همان اندازه حزب ما پیروز مندانه میتواند رسالت تاریخی خود را اجرا کند.

رید کمونیست جدید برنامه حزب موظف است مارا در امر متمرکز ساختن نیروها برای اجرای وظایف کلیدی که در برابر حزب و خلق قرار دارد، یاری دهد. اگر ما درست از عهده آن برآیم گام بزرگ نوین در راه انکشاف کشور و بهبود زندگی مردم خواهد بود و آنگاه ساختمان سوسیالیستی ما باطمینان برای تمام جهانیان برتری و نیروی جاذبه خود را نشان خواهد داد.

مهم آنست که نه تنها سمت گیری های روشن و سنجش شده آینده را نشان دهیم. بلکه آنها را به آگاهی میلیون ها کمونیست و غیر حزبی برسانیم تا در انجام وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیرند. این مساله خاصاً یکی از وظایف عمده رزمندگان جبهه ایدئولوژیک میباشد. کار تر بیست ایدئولوژیک بیش از همه مساله پیوند حزب باتود. ما میبایست اهمیت آن درین امر نهفته است. من یقین دارم که پلینوم کونیست که قابل ملاحظه به حزب و وظایف مطروحه سهم فعالانه تر بگیر

(بقیه ص ۴)

مسایل کارمبرم ایدیولوژیک توده‌ی ...

عمومی این پرو سه وا ضح است . جا معه شوروی به هر حله طویل المدت انکشاف تاریخی یعنی سو سیالیزم پیشرفته قدم گذاشته و اکمال همه جا نبه آن وظیفه استراتژیکی ما ست . در همین حالات و اوضاع

واقعیت مرحله کنونی انکشاف جا فعه ما انکشاف یافته است . این هر حله سو سیالیزم پیشرفته میباشند ، اما صرف شرو ع هر حله است .

ازیکطرف نزد ما وظایف عظیم امروز و فردا قرار دارد و از جانبی هم برایم های باقیمانده از دیروز قرار دارد . پیشرفت های حاصله در حل وظایف اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و کلتوری حل وظایف فاز اول کمو نیستی (سو سیالیزم) میباشند . علامه های ساحت ختمان جا معه کمو نیستی نمایان قابل دید است .

در عین زمان هر کت مابه پیش نوا قص اقتصاد ی رابا خود دارد . سطح تولید خالصتا در زراعت قناعت بخش نمی باشد ، دسیلین و آکا هی قسمتی از مردم نا کافی میباشند .

این نکته مفهومیست که نظرات و احساسات زحمتکشان نه تنها تحت تاثیر دست آورد ها ، بلکه نارسایی ها و دشواری های شکل میگردد .

نمی توان این نکته را در نظر داشت . باید رهنمود

لنیستی را مبنای کار قرار داد که بر اساس آن مراقبت هو شیاری نه از وضع واقعی آکا هی و آمادگی تمامی طبقه (نه تنها پیش آهنگ کمو نیستی آن) و تمام توده های زحمت کش (نه تنها افراد پیشگام آن) ، مهمترین وظیفه

حزب است . تنها در چنین صورتی میتوان به پیروزی در کار توده یی و سیاسی و امر آفرینش کمو نیستی امید وار بود .

همه این مطالب پاره از وظایف نظری و عملی رادربرابر ما مطرح میسازد . بطور مثال وظایف تیوریتیک را مد نظر میگیریم :

ما احکام و استنتاج های مواد کنکره ۲۴-۲۶ حزب کمو نیست اتحاد شوروی ، پلینوم های کمیته مرکزی و سخنرانی های وی . و اندروپوف منشی عمومی کمیته مرکزی ح . ک . ا . ش را به حق دستاورد های واقعی اندیشه مار - کسیستی ، لنیستی دوران اخیر میدانیم . طرح و تدوین نظر به سو سیالیزم پیشرفته طرق ارتقای سطح انر بخش تولید در شرایط انقلاب علمی و فنی و طرح مسئله استقرار ساختار

غیر طبقه ای جا معه در چار چوب تاریخی هر حله نخستین کمو نیزم ، تعمیق تصورات ما پیرامون مضمون مسئله ملی در هر حله کنونی و مهمترین گرایش های زندگی بین المللی ، تکامل آموزش لنینی جنگ و صلح و مسئله دفاع از میهن سو سیالیستی و همچنان تمهید های تیوریتیک دیگر ، حزب را با اندیشه های نو و بر خورد علما مدلل و آزمون شده نسبت به مسایل مبرم عصر ما مجهز میسازد . مبرهن است که حزب کمو نیست اتحاد شوروی ، در فعالیت تیوریک خویش

بر بهترین آثار فلاسفه ، اقتصاد دانان ، مورخین جا معه شناسان ، حقوق دانان و روان شناسان تکیه میکند . اما به هر حال کمک موسسات علمی به حزب نمیتوانست بنیادی تر باشد .

مثال مشخص میآوریم : ما از انستیتو تپو هشی های جا معه شناسی و انستیتو مرکزی اقتصادی و ریاضیات عالی اکادمی علوم اتحاد شوروی که در سال های ۶۰ پیروزی گردیده اند توقع فراوانی داشتیم . اما تاکنون نیز از پتو هشی های همه جانبه و مشخص پدیده های اجتماعی و مسایل مبرم اقتصادی خبری نشده است . نارسایی های که تا حدود

گو ناگون برخی دیگر از موسسات علمی دچار آنها اند در کار این انستیتوها نیز به وضاحت دیده میشوند . باقی مانده در محله دوده رساله های علمی و علاقی گروهی خویش ، خرده کاری و ضعف نفوذ حزبی در آنها از شمار این نواقص اند . شعبه علوم و موسسات آموزشی کمیته مرکزی ، هیئت رئیسه و بخش های علوم اجتماعی و سازمان های حزبی بایستی توجه بزرگی را نسبت به مسایل برنامهمرزی و سازماندهی پژوهش ها ، سبک و اسلوب های کار موسسات علمی معطوف دارند .

طرح فبر ست مسایل سو سیالیزم پیشرفته بایستی در شاهره تکاملی علوم اجتماعی قرار گیرد . سخن بر سر انست که در حرکت از حقایق مکشوفه پیشروی نمایم و در عین حال افق تیوریک خویش را گسترده سازیم و ادراک مان را از مهمترین قانون مندی های ترقی اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و معنوی کشور زرفا بخشیم

سخن بر سر انست که به تفسیر شکوفایی و پختگی جا معه شوروی بمناب اوج کمال آن بسنده نکنیم و آنچه را حاصل نموده ایم ماورای واقعیت قرار ندهیم . باید نیروی تمام علوم اجتماعی را در جهت طرح و تدوین اسلوب های سازنده و وسایل دسترسی به نزد یکتر یس اهداف و مقاصد دور نمای تمرکز دهیم

پتو هشی عوامل سیاست خارجی و مناسبات بین المللی نیز اهمیت بسیار دارد . مسلم است که طرز دید خوشبینانه به آینده بشریت که از همیزات کمو نیست به شمار می آید نمی تواند بر درک ساده و مستقیم الخط پیشرفت تاریخی استوار باشد .

این امر ما را متعهد می سازد تا تناسب نیرو های طبقه ای را در هر صه جهانی همواره و بدرستی درک کنیم و تاثیر آنها را بر حل مسئله عمده روزگار ما یعنی مسئله جنگ و صلح در نظر گرفته و پیش بینی نمایم . باید روند های اجتماعی - سیاسی در کشور های سو سیالیستی و طرق نیرو مند سازی همه جانبه اردو گار سو سیالیستی تازه ترین خصوصیات سرمایه داری دولتی انحصاری و تیرد طبقه ای پرو لتاریا و یژه گری های جنبش جهانی کمو نیستی و کارگری تکامل کشور های دارای ستمگیری سو سیالیزم

لیستی و همچنان مسایل جهانی معا صر را عمیقاً تحلیل کرد . به نظر من شمارش تمام مسایل مشخص در اینجا ضرور نیست که خواهان توجه دانشمندان است مسئله را به نحو جا معتر مطرح میسازیم : اگر جانب اصولی مسئله را در نظر گیریم در آنصورت پتو هشی های عرصه علم الاجتماع را درجه هیاتی بایستی دید ؟ نخست اینکه آنان بایستی واقعیتی را بنمایان جهات مثبت و منفی آن اساس کار خویش قرار دهند که وجود خارجی دارد و قوانین عینی تکامل جا معه رابه نحو کاملتر عیان سازند .

چنان که میدانیست مسئله تضاد به مثابه نیروی محرکه تکامل جامعه برای تیوری و پراتیک ارزش چشمگیر دارد . این مسئله در کار برد دوره گذار از سرما یه داری به سو سیالیزم به خوبی بر رسی شده است . امروز مطالعه همه جا نبه تضاد های آشتی پذیر دوران سو سیالیزم پیشرفته ویژگی های حل آنها در شرایط یگانگی رو به استحکام اجتماعی - سیاسی و ارمانی جا معه شوروی - به مثابه خواست زمان مطرح میگردد . درین جا هم چنان که در هر ارا گنیزم اجتماعی ، نبردها کهنه جریان دارد ، در کنار گرایش های خلاقانه تما یلات منفی نیز عمل میکند . بطور مثال محل گرایسی و اداره گرایسی ، دیوان سالاری و محافظه کاری را نام میبریم باید علل این پدیده ها و پدیده های مشابه را در پالیم و وسایل رفع آنها را پیدا نمایم .

دو دیگر اینکه ، موسسات علمی باید سرعت عمل و انعطاف بیشتر داشته باشند زندگی بر اساس نقشه یک بار طرح شده ، تکامل نمی یابد و جرخش های غیر منتظره حوادث اتفاق می افتد ، مسایل به همان سان غیر منتظره نیز پدید می آید . و باید توانایی آنها داشت که نیرو های علمی را به هنگام روی آنها تمرکز داد .

سوم اینکه : منظره درمورد قوانین و مقوله های علوم باتمام اهمیت آنها بایستی خصلت اسکولاستیک و اجباری داشته باشد . حزب امید وار است که در نتیجه تحقیقات علمی رهنمود های عملی اثر بخش در پی داشته باشند .

چهارم اینکه ، کارمندان علمی بایستی با آینده نگری بیشتر گرایش های رشد یابنده را « دریابند » . منظوم از پیش بینی اطمینان بخشی است که به مدد آن بتوان سبیده دم فردا را بهتر دید و تصمیم مدلل اتخاذ کرد . و عمده ترازمه علوم اجتماعی مکلف اند بطور انعطاف ناپذیر از تیوری انقلابی پیروی کنند و متودولوژی مارکسیستی - لنیستی را که از آزمون بدر آمده در پتو هشی های علمی با مهارت به کار گیرند البته فاکت های جدید میتواند به تکمیل و تدقیق نظرات موجود منتج گردند . اما حقایق غیر قابل تجدید نظر و مسایل وجود دارند که مدت ها قبل حل شده و مفهوم میباشند . نمی توان در زمینه علوم کار کرد ولی اصول بنیادی « دیا لکتیک ماتریالیستی » را بدست فراموشی سپرد .

به سختی میتوان آن نظراتی را علمی شناخت که بطور مثال خصلت های انسانی چون صداقت ، شهنم و انضباط را ناشی از عوامل « مثبت » ارثی میدانند و عملا این نکته را نفی میکنند که خصلت های پیشرفته از محیط اجتماعی مایه میگردد . آخر از مدت ها قبل اشکار است که تلاش در جهت تطبیق مکانیکی مفاهیم و اسلوب های علوم اجتماعی و تخنیکی در عرصه پدیده های اجتماعی و همچنان تفسیر سطحی مناسبات متقابل میان طبیعت و جامعه آنقدر کم ثمر است که در واقعیت امر به تحکیم همکاری مثر این علوم با جامعه شناسی زیان وارد میکند . انتقاد علمی درست سازمان یافته ، نقش مهمی را در رفع نظرات اشتباه آمیز از این قبیل بازی میکند .

زدن « پرچمپ های » ایدیولوژیک در عرصه منظرات تیوریک البته مجاز نیست اما این نکته به هیچ وجه ارزیابی نا مطبوع و غلطی آن آثاری را نفی نمیکند که سزاوار آن اند .

دقت جهان نگرانه و اگر بخواهید انضباط میتودولوژیک اندیشه شرط حتی تکامل پیروز - مندان علوم اجتماعی میباشد . در عرصه علم کشور ما دهها هزار انسان کار دوست و سر سپرده حزب و مردم مشغول کار اند . آنان نیروی بزرگی هستند . حزب اطمینان دارد که دانشمندان شوروی در آینده نیز تمامی دانش و استعداد خویش را در خدمت میهن سو سیالیزم منان به کار خواهند انداخت .

رفقا ! اندیشه کامل سازی سو سیالیزم پیشرفته باید نه تنها در کار تیوریتیک ، بلکه در تمام فعالیت تبلیغاتی و پرورشی اساس قرار داده شود .

چرا لازم است توجه ویژه را به این امر معطوف سازیم مقدم بر همه به این علت که چنانکه میدانید تصور سهل آنگارانه یی پیرامون طرق و مویار گزار به هر حله عالتیر کمو نیزم در هر حله معین وجود داشت . برخی از نظریه پردازان و مبلغین ضمن به شتاب انگیزش از روی مانا گار تا - طواری های راه را که در آن طی طریق میکنیم هموار میساختند و از شرایط واقعی زندگی جدا میماندند . در حالیکه بدون رفع کامل آگاهانه ای « خلائی » موجود میان تبلیغ و واقعیت به دستور سی

به وحدت کلام و عمل امکان ناپذیر است . و اما مهمترین منبع نیروی مادر همین وحدت نهفته است . مادر امر دسترسی به هدف که هیچکسی و هیچ گاهی به جز کمو نیست ها در برابر قرار نداده یعنی تشکیل شخصیت از لحاظ آرمانی باور - مند ، متکامل ، موزون و از لحاظ معنوی شخصیت پرغنائی که زندگی را بر اساس قوانین عدالت اجتماعی و خرد ، نیکی و زیبایی بر پا میدارد . به پیروز پهای بسیاری رسیدیم مگر دلیلی برای تسکین خود ما وجود ندارد . زیرا به تناسب حرکت ما به پیش نه تنها امکانات برای رشد همه جانبه شخصیت ، بلکه مطالبات جامعه از او نیز فزونی میگردد .

در عین حال حزب پرورش به سختی میتوان آن نظراتی را علمی شناخت که بطور مثال خصلت های انسانی چون صداقت ، شهنم و انضباط را ناشی از عوامل « مثبت » ارثی میدانند و عملا این نکته را نفی میکنند که خصلت های پیشرفته از محیط اجتماعی مایه میگردد . آخر از مدت ها قبل اشکار است که تلاش در جهت تطبیق مکانیکی مفاهیم و اسلوب های علوم اجتماعی و تخنیکی در عرصه پدیده های اجتماعی و همچنان تفسیر سطحی مناسبات متقابل میان طبیعت و جامعه آنقدر کم ثمر است که در واقعیت امر به تحکیم همکاری مثر این علوم با جامعه شناسی زیان وارد میکند . انتقاد علمی درست سازمان یافته ، نقش مهمی را در رفع نظرات اشتباه آمیز از این قبیل بازی میکند .

زدن « پرچمپ های » ایدیولوژیک در عرصه منظرات تیوریک البته مجاز نیست اما این نکته به هیچ وجه ارزیابی نا مطبوع و غلطی آن آثاری را نفی نمیکند که سزاوار آن اند .

احساس ضرورت به کار وردک روشن لزوم کار صادقانه به سود همگان را در هر فرد مهمترین وظیفه میداند . هم اقبال اجتماعی و هم رفاه مادی انسان باید مقدم بر همه بوسیله جگونگی کاروی تعیین گردد . درین جا تنها جنبه اقتصادی اهمیت ندارد . جنبه آرمانی - اخلاقی درین زمینه از اهمیت کمتر بر خوردار نیست . زیرا در کار انسان نه تنها ارزش های مادی می آفریند ، بلکه بهترین استعداد هایش را از بندرها میسازد ، اراده اش را آبدیده می گرداند ، نیروی خلاق خویش را تکامل میبخشد و شخصیت خود را به مثابه شهر و ند و سازنده فصال کمو نیزم تثبیت مینماید .

بر خورد صادقانه و آگاهانه نسبت به کار ، پایه نخستین شیوه سو سیالیزم زندگی است . اما آیا این طرز برخورد برای همگان خصلت نما است ؟

متأسفانه خیر . بهبود ساز ما ندهی و تحکیم انضباط کار در تمام حلقه ها و سطوح از کارگر و دهقان شامل موسسه تعاونی زراعتی گرفته تا وزیر ، رعایت جدی تعهدات مبنی بر موافقات در زمینه تحو یدلهی محصولات چنانکه کمیته مرکزی خواهان آنست . ذخیره واقعی اعتلای اقتصاد به شمار میرود .

استفاده از این نیروی ذخیره چنانکه می بینیم بدون مصرف خاص نتیجه مادی چشمگیری ببار خواهد آورد . اقداماتیکه از سوی حزب در جهت تحکیم جهات کار و نظم اتخاذ شد ، نشان داد که :

در مدت زمان نسبتاً کوتاه دسترس به پیشروی محسوس در زمینه رفع فاکت های بی بند و باری و برخورد غیر مسوولانه بخشی از مردم نسبت به مکلفیت های وظیفوی ، توفیق حاصل شد . این تلاش ها از سوی مردم با احساس رضایت استقبال شد .

به طور مثال این است آنچه ولادیمیر گریگور ویچ کوما - روف ، قهرمان کار سو سیالیزم و کارگر فابریکه ماشین سازی ارجونی کیده به آدرس منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمو نیست اتحاد شوروی ارسال داشته است :

« من دفعتا و نا گهان به نگارش این نه پرداختم . علت نگارش این نامه دیدار گرم شما با کارگران فابریکه مابود . من به مثابه کارگر حرفه ای و سابقه دار جنگ حوادث فراوان را از سر گذاشته اندام به شرافتم سو گند روحم از آن همه چیز های انجام یافته شاد میشود . دگر گونی های نیک واقعا عظیم اند . اما این دگر گونی ها میتوا نستند چشمگیر تر باشند . اکثریت ، صادقانه و به فرمان وجدان کارگری زحمت میکشد . و به او می - نگریم ، می بینی که کار میکنند اما چگونه ؟ وقت گذرانی میکنند و در عوض در روز معاش در صفت نخستین قرار میگیرند و شکایت ایشان بالا است که محاسبه خست به خرج داده است .

یعنی که این انسان وجدان اش را کم کرده است . میخواهد چیزی کمی عرضه کند و در عوض بیشتر بستاند ، و اما ازکی بستاند ؟ از دولت یعنی از ما . خط مشی کمیته مرکزی

رفقا ! پرورش انسان نوین از بیکار بسیار پر حرارت با میخوارگی

اوباشی و مفت خواری ، اختلاس و دزدی از بیت المال سو - سیالیزم ، رشوه ستانی ، مالپرستی ، جدایی ناپذیر است . دیدن تنها « ربایای گذشته » در شعور و کردار انسان ها ، در سیمای تمام پدیده های فاسد یکه نا آرامی و اعتراض بر حق زحمتکشان را برمی انگیزد امریست نادر - ست . علل بسیاری از این « درد های کوچک » را باید در پراتیک کنونی ، در محاسبات غلط این یا آن کارمندان در مسایل و دشواریهای واقعی تکامل ما و در فعالیت ناکافی پرورشی باید جستجو نمود . از این رو برای رفع پدیده های منفی نه تنها تلاش های دایمی تبلیغاتی ، بلکه تدابیر اقتصادی ، سازمانی و حقوقی نیز لازم است .

مابایست وضع تحمل نکردن علیه تمامی بر هم زنندگان معیار های زندگی مشترک سو سیالیزم را بدون نظر - داشت اشخاص با بسیج افکار عامه ایجاد کنیم .

والیته که کار فعالانه ترو هدف مندانه تر در جهت تشکل نیاز های خرد مندانه و علاقی شخصیت نیز لازم است .

پراتیک باز ها مارا معتقد میسازد که پیروزی پرورشی تنها زمانی تأمین میشود که متکی بر پایه نیرو مند سیاسی - اجتماعی - اقتصادی باشد

این حکم کنکره ۲۶ ارزش اصولی دارد و دگر های حزبی بایستی عوامل اجتماعی - اقتصادی را به خوبی بدانند که

بر رفتار و کردار انسان ها اثر میبخشد . و همچنان مبارزه اید یو لوژیک را با بیکار باطو انجام وظایف اقتصاد ملی و سیاسی - اجتماعی پیوند نزدیک تر دهند .

تحلیل جو انتقادی که درین او اخر در کمیته مرکزی ح . ک . ا . ش نسبت به کار کیکت های ناحیوی حزبی ایر کوتسکه تولا ، خیل تسکی و برخی دیگری از توا حی معطوف بود ، نشان داد که یکی از عوامل عمده پسامانی این نوا حی در تکامل اقتصادی ، در کم بها - دادن به کار آرمانی و پرورشی در موسسات کارگری ، اشتباه در گزینش ، انتصاب و پرورش کادر ها نهفته است . جای تردید نیست که فعالیت ایدیولوژیک قادر به حل مسایل اقتصادی و اجتماعی نیست ، مگر تنها لازم نیست که دستاورد های حاصله را منوط و مربوط به فعالیت ایدیولوژیک بسازیم و در زمینه نارسائی های موجود آنرا مورد لمن و طعن قرار دهیم . تنها درهم آمیختن کار آرمانی و پرورشی با کار سیاسی ، سازمانی و اقتصادی میتواند اثر لازم بپوشد .

رهبران حزبی و اقتصادی بایستی این نکته را همیشه در نظر داشته باشند . آنچه گفته شد پاهر بخش فعالیت ما و هر رشته اقتصادی جامعه نسبت به مسایل پدید آمده در روستاء یعنی جاییکه شرایط کار و زیست طبقه معمول پیچیده تر است به کار زراعتی رابا حرارت بیشتر بر مبنای صنعتی قرار داد مضمون آنرا غنی ساخت و حیثیت آنرا بالا برد ، باید روستا را تجدید حیات کرد و شرایط رعایشی ، فرهنگی و زیست آنجا را بهبود بخشید .

پلینوم ماه می ۱۹۸۲ کمیته مرکزی ح . ک . ا . ش و اجلاس ماه

کمیته مرکزی ح . ک . ا . ش و اجلاس ماه

کمیته مرکزی ح . ک . ا . ش و اجلاس ماه

مسایل کارمبرم ایدیولوژیک توده‌یی

اپریل کمیته مرکزی د رمورد مسایل کشاورزی و تحقیق برنامۀ مواد غذا یی به خصوص تو جه سازمان‌های حزبی را بر این نکته مبنی ل میسازد. بدون حل این مسایل تحکیم وضع کلخوزها و سواخوزها بوسیله کار در های متخصصین و ایجاد گروه ثابت کارمندان در ممبر موسسه دشوار است. رفقا!

مبارزه بخاطر ارتقای سطح تولید و کیفیت محصول مهم ترین حلقه کارماراتشکیل میدهد. مسابقات سوسیالیستی، جنبش بخاطر بر خوردمو نیستی نسبت به کار و تلاش هرگروه دانشمندان و کارشناسان بایستی معطوف به این نکته باشد.

سازماندهی تبلیغ و پرورش چهره سوسیالیست مورد می تواند ایفا کند ؟

سهم کاملاً اجتماعی و مقدم بر همه تشکلات فاعلانۀ طرز نوین تفکر اقتصادی که ابتکار و کارایی سوسیالیستی، ارتقای مسوولیت، جستجوی خلافتانۀ طریق نیل به بهترین و آخرین نتیجه اقتصاد ملی، با کثرتین مصرف از امداد آن به شمار میرود.

ما مثال‌های بسیار ی از حل درست این وظایف را میدانیم. به طور مثال گروه کارگران فابریکه لیخا چوف مسکو را در نظر داریم. برای این گروه هم رشد بازده کار و هم بهبود کیفیت محصول خلعت است. این بر تری چگونۀ بدست می آید ؟

در کام نخست بدین وسیله که سازمان حزبی در کارخانه روحیه آفرینند

کی و ابتکار را به نحو پیکیرانه تثبیت میکنند و تحقیق هرآنچه را پیشرو است در عمل کمک مینماید. نظام موزون و موثر تدارک کارها که خارج از دیوارهای موسسه کار در مدرسه تحت قیومیت آغاز میشود، به این امر خدمت می نماید. تو جه بزرگ نسبت به پرورش کارگران جوان و گسترش شاگرد پدیسری صورت میگیرد. منظر علنی و جریب بحث آشکار در زمینه پیروزی ها و اشتباهات شرکت آمران مختلف و تبه درکار سیاسی پرورشی، آن جی اجتماعی را ایجاد می کند که در آن انسان ها به نیکی ی کار میکنند.

اماتر تیب کار در همه جا بدینگونه نیست. ما ناگزیریم کار بزرگ را برای بهبود امر تبلیغ اسلوب های نمونه کار واداره متکلف اقتصاد به پیش بریم. زیرا تو قف و جنبان آفرینی در بخش تجارت پیشرو از شمار ضابطات اقتصاد دیو در مقیاس کشور کاملاً محسوس است.

تبلیغ اقتصادی در مجموع به بررسی و بهر جوی از چنین تجربه ای یاری نیرو مند نمی کند. کمیته های حزبی مکلف اند به این امر تو قیفی یابند که مسایلی در مرکز تبلیغ اقتصادی قرار داد شود که تحقیق سیاست حزب و کار موسسات کارگری در گام نخستین منوط به آنها ست. شما مل ساختن مسایل و شاید هم کورس های ارتقای سطح علمی، فنی کارگران، کارشناسان اقتصاد دی و متخصصین

به پایان رسید. است. تیراز عمو می آثار متقدمان مار - کسینزم - لنینیزم در سال های استقرار حکومت شوروی به بیش از هفتصد میلیون جلد بالغ میگردد. رفقا!

می خواهم در مورد مساله زیرین با شما مشورت نمایم. ما میخواهیم که جهان بینی علمی دارایی تمام مردم شوروی و هر فرد نسل نوین باشد. اما آیا کتب و مواد درسی تعلیمی در مورد اساسات تیوری انقلابی محض برای توده خوانندگان موافق به خواست لنینی از تبلیغ مارکسینزم است. حد اکثر دقت علمی و خد اقل محبوبیت عامه ؟ بنظر می رسد زمانی آن فرا رسیده چنان کتبی را تهیه کنیم که در آن بیان علم فهم اصول اساسی مارکسینزم - لنینیزم آن تحقیق یافته اند. بطور مثال موسسات وزارت انرژي اتحاد شوروی، وزارت صنایع ماشین سازی سنگین و وزارت کودکیاوی درین زمینه پسمانی به خصوص بزرگی دارند. لازمست واحیاط متکی بر سیستم تشویق های مادی و معنوی گردد تا به امر واقعا عمل دولتی و عموم مردمی مبدل گردد. رفقا!

جریان زندگی مسایل بشیاری را در برابر کارکنان ایدیولوژیک مطرح میسازد. مگر تشکلات جهانی - بنی علمی و مارکسیستی - لنینیستی بمثابه ی پیروان کمونیستی انسان ها در میان آنها ثابت بود و باقی خواهد ماند. بخصوص این تشکلات، کمونیست ها و زحمتکشان را به بیکارجویان آگاه سیاسی مبدل میکنند که قادر به ارزیابی مستقلانه پدیده های اجتماعی، در یافت پیوند میان وظایف موجود و اهداف غایی ما و پیشبرد منظره مستدل با هر خصم آرمانی باشد.

حزب تو جه تضعیف نا پذیرا نسبت به پرورش، درک ضرورت به تیوری، علاقه و ذوق به این منظره در میان کمونیست ها معطوف میدارد. سیستم آموزش حزبی مانیز برای همین منظور است. این سیستم نقش خود را به همان اندازه بهتر انجام خواهد داد که ما دلیرانه تر از شر فوز مالیزم، جز میت و انحرافات و همچنان از اشکال کم اثر کهن آموزش رها یی یابیم به همان اندازه ویزگی های هر گروه کمونیست ها را در نظر گرفته میتوانیم. باید کار خود مان را با پیروی از مصوبه شناخته شده کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش که پس از کنگره بیست و ششم حزب بتصویب رسیده به نحو پیکیرانه و استوار باز سازی کنیم.

حزب کمونیست اتحاد شوروی به میراث آرمانی کارل مارکس، ف انگلس و و. ای. لنین اهمیت درجه یک قایل است. کار عظیمی در جهت جمع آوری و نشر آثار آنها صورت گرفته است. کار چاپ کلیات لنین خاتمه یافته است. چاپ دوم آثار مارکس و انگلس شنا مبدل یکتیم هزار مواد جدید

توجه مطبوعات مانسمت به وظایف مبرم ساختن کمونیستی پس از کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی نیرومند تر گردید. این واقعیت که بسیاری از اندیشه ها و پیشنهادهای که در آنها بازتاب یافته هنگام تهیه اسناد مهم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و شورای وزیران اتحاد شوروی در نظر گرفته شده اند، مبین کار آیی و پختگی روز افزون مطالب مندرج در مطبوعات هاست. بطور مثال نشریات «روزنامه پراودا» پیرامون مسایل بهبود اداره حلقه صنعتی، از مطالب منتشره «ایزویستیا» پیرامون تولیدگاهای مورد مصرف عامه و همچنان از نشریات روزنامه «ترود» پیرامون شرکت کارگران در اداره تولید یاد آوری می نمایم. وسایل اطلاعات جمعی در باره کارنامه های عظیم زمان ما چون ساختن «بام»، انکشاف سایبریا و باور دور، اعمار خط انتقال گاز اورنگا - یو مار - اوژگورد و آبیاری ساحه های عظیم و آبادانی منطقه «نی جیرنوزیمیه»، نه باسخن گزارشگران بی تفاوت بلکه به مثابه مبلغین وسازماندهندگان فعال، به نشریات پرداختند.

پراتیک غنی مطبوعات ما این باور را می آفریند که کار آن تنها زمانی موثر است که نسبت به جهت عمده فعالیت اخلاقانه مردم عطف توجه صورت گیرد و زمانیکه مسایل مهم روز موه مطرح میگردد، خود زحمتکشان به بحث و داوری پیرامون آنها جلب میشوند. نامه های خوانندگان، بینندگان تلویزیون و شنوندگان رادیو و مکاتبات و گزارش های خبرنگاران محیط کارگری و دهقانی فشار سنج دقیق افکار عامه، منبع سرشار اندیشه، تجربه و ابتکار توده ها اند. هیات های تحریر با یستی از آن به نوع کامل بهره گیرند. کمیته های حزبی به نویسه خویش مکلف اند تا هر ظاهر جلی پاژتاب زنده یابد و تکانه محرک برای بهبود امور و دسترس به حدود نوین مبدل گردد.

ارتقای سطح فرهنگی و آموزشی مردم شوروی مطالبات تجدیدی را از مطبوعات، رادیو و تلویزیون به میان می آورد. نامه های از زحمتکشان به کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی واداره های روزنامه ها و مجلات میرسد که بابت عدم رضایت خاطر آنسان از مضمون، زبان، وسبک برخی از نشریات و برنامه ها میباشند. یکنواختی گزارش ها و تبصره ها و همچنین آنسر مقاله های اعلا نقد قرار میگیرند که در آنها نه تعمیم های ژرف اندیشانه و نه اندیشه تازه یافت می شود، طعنه های عاد لانه در زمینه تحریک ناکافی وضع اطلاعاتی بر نامه های رادیویی و تلویزیونی زده میشود. هیات های تحریر مکلف اند به صورت پیکیر بخودشان

را از شر این نارسایی ها رها یی بخشند. هر نشریه و هر مطلبی با یستی مردم را بوسیله آرمان نفوذ در حیات، اصلویت برندگی اندیشه و درخشش سبک جلب کند و باور مند سازد.

ساختار روزنامه ها و مجلات مو قوت به بهبود نیاز مند است. تقاضا برای برخی از نشریات برای کودکان، نوجوانان و دیگر گروه های جامعه بقدر کفایت ارضا نمیگردد. در عین زمان نشریات کاملاً اداره یی و به خصوص مجلات کمونیست گر چه صریحاً یگویم ارزش برخی از آنها کوچک است.

میخواهم با شما پیرامون مسایل کاملاً محسوس مطبوعات شهری و ناحیوی بحث نمایم. این تقریباً نصف از جراید و روزنامه ها را در بر گرفته و آنها کار بزرگی را انجام میدهند. لکن اکثریت این جراید غالباً سطحی مینمایند تا روزنامه های مرکزی و منطقوی را کاپی نمایند. این عمل در مجموع رضایت خاطر خوانندگان را فراهم نمی سازد. در حال حاضر مردم بهتر میدانند که در ایسویا آن کشور یکه در فراسوی این ها واقع میباشند، چه میگذرد. در حالیکه در مورد حوادث شهر و منطقه خود اصلا اطلاع ندارند. با ید به تجارب برخی از آنها با در نظر داشت شرایط کار و تقاضای خوانندگان تناوب و حجم صفحات خود را البته در چوگات نورم تثبیت شده تغییر میدهند، بدل تو جه کرد.

تلاش عمده هیات تحریر باید در جهت روشنی انداختن بالای زندگی محلی معطوف گردد. این کار باید بر بنیاد اساسی و سطح عالی حرفوی انجام گردد.

انستیتوت سر اسری شوروی به ارتقاء سطح متخصص کارمندان مطبوعات و بدون تردید به حل امثال دیگر سر تاسر ژورنالیزم کمک خواهد کرد.

این مساله تا حدود زیاد منوط به رهبری کمیته های محلی از سوی کمیته های حزبی است متأسفانه گاه افراط و تفریط درین مساله به مشاهدۀ میرسد. کمیته های حزبی شهری و ناحیوی انگار بعضاً روزنامه های خود را فراموش کرده و برعکس ابتکار آنها را با قیومت خرد گیرانه به بند میکنند. واما گاه کمیته برای مدت طولانی مدیهای مسوول از وظایف شان دور ساخته شده و به آنها وظایف مختلفی اقتصاد دی، محول میشود. جراید روزنامه های شهری و ناحیوی به سبیل دیگری نیز سر دچار اند: هم گذرهای متخصص که کفایت نمی کنند هم سطح طباعی آنها نازل است. آشکار است که وقت آن فرا رسیده تا در کمیته مرکزی حزب کمونیست انکشاف مطبوعات محلی به خصوص بررسی گردد.

خصوصیت های نظیر علمیت، حقانیت و وفاداری مقدم بر همه تعیین کنند کارا یی تبلیغات اند. آنها به مواد انتقادی و نشریات در باره پیروزی های ما ضرورت دارند. آیا این پیروزی ها به اثبات رسیده اند ؟ چگونۀ میتوان آنها را بیشتر گسترده ساخت، لنین مساله را بدینسان مطرح میساخت. تذکار این نکته برای آن ضرور است

تاگزافه گو یان نفس تازه برنکشند. بسیاری روزنامه های ما را در آغاز سال در نظر گیرید، چقدر اطمینان ها در مورد اجرای پیش از بلان نشر میشود. هنگامیکه لحظه نتیجه گیری فرا می رسد، درینجا ست که حرفی از دهن شان بیرون نمی توان کشید، برخی دیگر چنان گزارش های تهیه می کنند که به نظر نخست با ید فوراً بدریافت مدال نایب بلان انجام نیافته است. در چنین حالاتی ژورنالیزست ها آنچنان که میگویند باید با شما مت و کار آگاه یی بیشتر از منافع دولت دفاع نمایند.

البته انتقاد در روزنامه ها سلاح برند است باید طریقی استفاده از آن را درک کرد و نباید از موضع اصولیت و عینیت انحراف نمود. برای مایبانات انتقادی حادثه سرشار از هیجان نه بوده بلکه اشاره یی ایست که یگانه هدف آن رفع نارسایی هاست.

در رابطه با انتقاد نیز مکت مینماییم. این مطلب که تلاش های در جهت ایجاد مزاحمت برای ابراز انتقاد یا «تسکین» هیات های تحریر روزنامه ها با ارا یه مطالب تشریفاتی صورت میگیرد برای مارازی نیست. ما با فکت های پیکرد انتقاد ها نیز مواجه میشویم و در عین حال در فکرت خطور میکند: حالت تحت فشار قرار دادن انتقاد در صورتیکه ارگان های حزبی و شوروی از مسوولین قضیه به صورت کامل باز پرس میگردند امکان ناپذیر می بود.

تأثیر عمده را در پرورش توده ها، مطبوعات از طریق تبلیغ تجارت پیشرو نمونه وی در تمام عرصه های حیات وارد می نماید و برای ترسیم اثر بخش سیمای معا صرما یعنی انسان زحمتکش و منظر تمام خصایص عالی آرمانی و اخلاقی امکانا ت گسترده یی را در اختیار دارد. ما به نمونه های روشن قهرمانان بلان پنچساله نیاز داریم: کارگران، کلخوزیسان، متخصصین، فلم های تلوویزیونی نظیر «خراد»، در باره کارگر مبتکر لنینگرادی و ن.ن. ماریا کو ف ویا «ایگر ایوا نوویچ»، آمر برجسته معدنچیان ای. ی. درز دیسکی، با یست در باره یک تعداد فلم های تلوویزیونی مهم در باره انسان های برانده کشور به خاطر تربیه نسل های جدید کارگران کشور یاد آور شد.

بینندگان تلویزیون در انتظار فلم های هنری با ذوق و برنامه های سرگرم کننده اند. واضح است جالب ساختن هر برنامه از نظر محتوی کارسازد. یی نیست اما راه دیگر اعلا نسبه و دلخواه برای بینندگان وجود ندارد. رفقا!

تشکیل و اعتلای نیازمندی های معنوی انسان بر سیمای سیاسی، آرمانی و اخلاقی انسان اثر فاعلانۀ دارد. این امر رسالت مهم فرهنگ سوسیالیستی است. این امر تعیین کنند محدود مسوولیت هنر مند است. هنرمند یکه حزب استعدادش را بنحو عالی ارزیابی کرده است و در سیمای او بر ارزش ترین دستاورد جا معه را می بیند. راد مردان عرصه ادب موسیقی، نقاشی، کارمندان تئاتر و سینما که فرهنگ گبیر چندین ملیتی میهن ما را فعلاً نه تنها مل می بخشند، سزاوار شایسته ترین کلمات سیاست اند بسیاری از آثار سال های اخیر برای میلیون ها انسان به همسفران مهربان در مسیر زندگی شان مبدل گشته اند. و در رابطه با این کارکنان الوجوه اتحادیه های هنری مادر جهت تحکیم پیوند ادبیات و هنر پراتیک ساختن سوسیالیستی بدون تردید اثر شگرف دارد.

موضعگیری میهنی هنر مند اساس آفرینش او را تشکیل داد. و میدهد. تنها پر خورده حزبی به درک گرایش های عمده معا صریا میسراند. استعداد واقعی خود را از زندگی مجزا نمیسازد و آرایش غلیظ واقعیت را مجاز ندانسته و به پنهان کاری پدیده های تیره رنگ تن نمی دهد.

مگر چرا گناه را با ید پنهان کنیم. به گونه دیگر هم ممکن است گاه گاه تنها سرنوشت های نافر جام، ناسامانی های زندگی و سیمای های همواره شاکو سست عنصر در پردۀ سینما ویا از خامۀ برخی از نویسندگان روی صحنه می آیند.

واما انسان بخصوص انسان جوان نیاز مند آرمانی است که مظهر شریفانه بودن اعدا ف زندگی و نیاز مند اعتقاد اندیشه یی، کار دوستی و مردانگی است. همچو قهرمانی را نبا ید از ذهن خود ساخت آنها در کنار ما هستند.

اینکه در برخی از آثار از واقعیت های تاریخی عدول صورت میگیرد نگرانسی بر انگیز است...

ما با خالاتی مواجه می شویم که نویسند یا در قبال مسایل معلق خود را گم می کند یا با تفسیر غیر معیاری را فراموشی جوید و در نتیجه واقعیت زندگی مادچار تهدید می گردد. اگر در جمع گروه کارمندان مجلات و موسسات نشراتی حقایق حاکی از بی اصولیتی، آشتی طلبی و بیجا ناست ذهنی گزایا نه قاطعانه مورد تردید قرار میگیرد ف تدر آن صورت میتوان نسبتیم از چنین پدیده ها احتراز کنیم. آنچه گفته آمد تا حد کامل در مورد پی ریزی برنامه های تئاتر و سینما صدق میکند. «بقیه در شماره آینده»

جالب و خواندنی

آقایان روسای جمهور

مجله «یو. اس. نیوز ایند» هرازد راپورت «مینو یسد که روسای جمهور سابق ایالات متحده آمریکا سالانه بیش از ۲۶ میلیون دلار از خزانه دولت پول میگیرند. روسای جمهور، جیمی کارتر ریچارد نیکسن و جرج ل. فورد سالانه هر کدام ۷۰ هزار دلار پول تقاعد اخذ میکنند. این مبلغ یگانه مدرک در آمد روسای جمهور سابق بوده است. آنها سالانه مقداری پول به خاطر حفظ زیادی پول به خاطر حفظ و نگهداری کتابخانه های خود بدست میآورند. و نیز اشیاء و اموال قیمتی با تخفیف به روسای جمهور سابق بفروش میرسد. بطور مثال قالیان مور افغانی که قیمت آن ۱۲ هزار دلار است بطور مجانی برای کارتر داده شده و نیکسن به خاطر اینکه کلید سیف خود را گم کرده است ماهانه ۵۰۰ دلار از دولت بدست میآورد.

زیر کسین ها در کجای مخفی گردیده اند

در روزنامه ها و جراید جمهوری فدرال آلمان مطالب دلخراشی در مورد مفقودی بیرون های زهر به نشر رسیده است. این بیرون هادر سال ۱۹۷۶ در جریان انفجار در یکی از فابریک های کیمیای شهر سیوینرو ایتالیا مفقود گردید. مقدار این زهریات در حدود ۲۰ تن بوده و در ترکیب آن ۳۰۰ گرم ریز کسین نیز موجود است. این مواد در ۴۱ بیرون جابجا گردیده و به گمان غالب در زیر زمین توسط سارقین مخفی شده است. پولیس توانست با استفاده از پل پای تا سرحد فرانسه آنها را تعقیب نماید. ولی بعد پولیس پل پای را گم نمود. فعلا تصور میشود که این مواد در جمهوری فدرال آلمان مخفی میباشد.

اخبار خارجی، واقعیت ها، حوادث

همبستگی با کارگران چیلی

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری همبستگی خویش را با کارگران چیلی بمناسبت روز ملی اعتراض تنها بر علیه سیاست ضد مردمی رژیم نظامی و فاشیست بنو چت اعلام داشته است.

نزارش می افزاید در بیانیه که در پراگ به نشر رسیده تاکید گردیده که خونریزی توانسته و نخواهد توانست مبارزات قهرمانانه کارگران چیلی را بر علیه رژیم فاشیستی آن کشور که نه تنها آنها را از آزادی محروم نموده بلکه بخواسته های شان در مورد ضرورت پای اساسی یا میگذارد به شکست مواجه سازد.

در بیانیه اشاره گردیده که فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری به نمایندگی از دو صد شش میلیون کارگر همبستگی همه جانبه خویش را با کارگران چیلی اعلام میدارد و این فدراسیون همیشه حامی آنها در مبارزات شان بخاطر آزادی و دموکراسی در چیلی میباشد.

(ب)

رد تلاش های فرانسه علیه پولند

نطاق حکومت پولند گفته است حکومت پولند تلاش های فرانسه را که بخاطر مداخله در امور داخلی جمهوری مردم پولند صورت میگیرد شدیداً رد نموده است.

نطاق حکومت پولند در ارتباط به بیانیه اخیر وزیر خارجه فرانسه که درباره آتشکود ایراد نموده بیانیهی به نشر سپرد و در آن متذکر شده این قابل تعجب است که حکومت فرانسه بطور فعالانه از سیاست تجاوز کارانه حکومت آمریکا در سرانجام پولند حمایت مینماید که این خود لطمه ای را به روابط فرانسه و پولند وارد میسازد.

(ب)

توطئه جنگی و اشنگتن علیه نیکاراگوا

دانیل اور تیکا عضو رهبری ملی جبهه رهای بخش ملی ساندنیست و انسجام دهند شورای رهبری حکومت احیای مجدد ملی نیکاراگوا گفته است که تصمیم واشنگتن مبنی بر ارسال یکصدویست مشاور و نظامی آمریکا به هاندوراس با عواقب وخیم همراه میباشد.

وی ضمن مصاحبه با آژانس یو. پی. ای تاکید نمود که آغاز مقابله میان نیکاراگوا و هاندوراس به یک حقیقت جدی تبدیل شده است.

دانیل اور تیکا گفت تشدید و خامت اوضاع با موجودیت مشاورین نظامی آمریکا در هاندوراس که اجیران ضد انقلابی را برای فعالیت های تجاوز کارانه تاز علیه نیکاراگوا تربیه مینماید افزایش خواهد یافت.

وی گفت و اشنگتن برای عملیات نظامی خویش علیه حکومت ساندنیست از دستهای سا موزا که در قلمرو هاندوراس خزیده اند استفاده مینماید.

نامبرده افزود ستر استیونسون آمریکا برای کشا نیدن رژیم هاندوراس در یک جنگ تلاش می ورزند.

رهبر نیکاراگوا تاکید نمود که در سوا مین تجاوز علیه نیکاراگوا عساکر ایالات متحده آمریکا برای سهم گیری در عملیات جنگی علیه نیکاراگوا اشتراک مینمایند.

دستگیری محصلین در پاکستان

تصادفات شدیدی میان محصلین بو هنتون حیدرآباد پاکستان و پولیس رژیم نظامی آن کشور رخداد که در اثر آن سه نفر از پولیس شدیداً مجروح گردیده اند.

قرار گزارشات رسیده از اسلام آباد پولیس رژیم نظامی پاکستان یکصدویست محصل بو هنتون حیدرآباد رادستگیر نموده است. به گفته مقامات شهر حیدرآباد تصادمات هنگامی رخ داد که پولیس از اشغال دفتر پولیس دانشگاه فنی توسط محصلین جلوگیری نمود. از سوی دیگر شصت و هفت محصل بو هنتون حقوق شهر لاهور و کزیالیت پنجاب پاکستان به اتهام تصادماتیکه در جریان برگزاری امتحانات اخیر سال روی داده از بو هنتون اخراج گردیده اند.

(ب)

بیکاری در استرالیا

در استرالیا علاوه بر اینکه بصورت رسمی هفتصد هزار نفر بیکار در لیست ثبت شده اند تعداد زیادی بیکار اینکه هنوز درج لیست نمی باشند وجود دارند که در پی یافتن کار میباشند.

قرار معلومی که پرویز از طرف دفتر احصای استرالیا به نشر رسیده تعداد بیکارانی که تاکنون قیدحساب نمی باشند بالغ به یک میلیون و چهار صد هزار نفرند که تقریباً دهم حصه نفوس کشور را تشکیل و پنجم حصه نیروی تمام کارگران استرالیا را در بر میگیرد.

گزارش می افزاید که نسبت خرابی و ضعیف اقتصاد کشور قسماً کارگران حق یافتن کار مناسب را برای خویش از دست داده اند.

حمایت از داعیه حفظ صلح

راپورت موگابی صدراعظم زیمبابوی از اتخاذ تدابیر موثر حفظ صلح حمایت نمود.

وی ضمن خطاب به ششمین کنفرانس سازمان ملل متحد برای تجارت و انکشاف، انگتاد، در بلگراد گفت که ضرورت است تا تمام مساعی برای استفاده از منابع غنی بشری به مقاصد صلح آمیز و سازنده بکار آفتد.

راپورت موگابی مجدداً تاکید ورزید که زیمبابوی از تمام ابتکارات برای دینانته حمایت نموده است.

صدراعظم زیمبابوی سیاست نژاد پرستانه پریتور یا را نکوهش نموده و روی ضرورت مساعی نیرومند برای آزادی مردمان افریقای جنوبی نامیبیا و فلسطین تاکید ورزید.

(ب)

انکداد ششم و مسائل مبرم اقتصادی

مقامات فروش پاپ لین گاز رابه اتحاد شوروی به میان کشیده و هم پالای فرانسه، آلمان فدرال و انگلستان نیز جهت پیروی از این امر فشار آورد.

تمام کشورهای جهان در گروپ های جداگانه شان آمادگی کامل برای اشتراک در کنفرانس گرفته اند.

وزیر تجارت اتحاد شوروی خاطر نشان نموده است که اتحاد شوروی برای حل پرابلم مواد خام سهم فعال گرفته و به منظور تأمین حاکمیت ممالک روبه انکشاف بر منافع طبیعی شان و تنظیم مجدد مارکیت جهانی مواد خام مساعدت خواهد کرد.

علاوه نموده که انگتاد ششم باید به یک کنفرانس مهم تبدیل گردد که بتواند فرصت خوبی را برای بحث و مذاکره روی پرابلم های مبرم و مورد توجه جهانی مهیا سازد و نتایج سودمندی را بر ارتباط بهبود مناسبات اقتصادی بین المللی و عادی ساختن وضع تجارت بین المللی به ارمغان آورد.

(ک)

بحران سرما به داری نتیجه خصلت سیستم سرما به داری و سیاست های اقتصادی و اجتماعی خودشان میباشند و دلیل آن شده نمیتواند که مذاکره راجع به نظم نوین اقتصادی صورت نگیرد.

کشورهای سرما به داری از قبول تعهدات و تطبیق تعصمیم کنفرانس اباورزیده و صرف گذشت و عقب نشینی هایی فوق العاده ناچیز و آنهم در موارد کم ارزش رابه نفع ممالک روبه انکشاف فمقابل گردیدند.

کشورهای سوسیالیستی همیشه در کنفرانس های انگتاد سهم فعال گرفته و فیصله های آنرا صادقانه تطبیق نموده اند بطور مثال اتحاد شوروی مطابق فیصله انگتاد اول جنوری ۱۹۷۵ را به تمام محصولات گمرکی را که بالای صادرات کشور های رو به انکشاف و ضعیف میشد از بین برد و نتایج مثبت انگتاد پنجم به ابتکار کشور های سوسیالیستی یکی هم بهبود نسبی تجارت شرق و غرب بود اما دیری نگذشت که ایالات متحده آمریکا غرض عدول از آن

همواره در کنفرانس های انگتاد تقاضای نمایندگی تا شرايط ضرورتاً از کشورهایشان سبیل گردد و امکانات مساعدتر و بیشتر برای صادرات آنها به قیمت مناسب فراهم گردد.

در کنفرانس پنجم نیز کشورهای رو به انکشاف یک سلسله پیشنهادات را در مورد بهبود وضع تجارت جهانی و مناسبات اقتصادی بین المللی ارائه نمودند. در جریان بحث پیرامون پیشنهادات نظم نوین اقتصادی بین المللی تضاد های شدیدی بین کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای رو به انکشاف ایجاد گردید کشور های سرمایه داری حتی آرزوی طرح و بحث روی این موضوع را در کنفرانس نداشتند و چنین استدلال مینمودند که اقتصاد جهانی در یک دوره حاد بحران قرار دارد و تا زمانیکه این بحران بر طرف نگردد گویا پیشنهادات نظم نوین اقتصادی معقول نیست و هم کشورهای اوپک را به خاطر بلند بردن قیمت نفت عامل و مقصر بحران تلقی میکردند. در حالیکه

اول در مارچ ۱۹۶۴ در ژنیو دایر شده و در دسامبر همان سال انگتاد بحیث یک سازمان رسمی و دایمی ملل متحد تاسیس گردید.

ارگان های انگتاد عبارتند از کنفرانس - که بعد از هر چهار سال دایر میگردد در آن وزرای خارجه یا تجارت ممالک عضو اشتراک می ورزند - بورد تجارت و انکشاف که فعلاً ۱۲۴ کشور عضویت آنرا دارند و بعد از هر دو سال تشکیل جلسه میدهند - و سکرتریت انگتاد که مقرآن در ژنیو است.

انگتاد دوم در سال ۱۹۶۸ در دلی نو، انگتاد سوم در سال ۱۹۷۲ در سنتیگو، انگتاد چهارم در سال ۱۹۷۶ در نایروبی و انگتاد پنجم در سال ۱۹۷۹ در مانایلا دایر گردید.

اهداف عمده انگتاد را عادی ساختن وضع تجارت بین المللی کاهش تعرفه های گمرکی و ایجاد سیستم بدون تعرفه انکشاف تجارت بین المللی و تأمین رشد متوازن و عادلانه اقتصادی تشکیل میدهد.

کشور های رو به انکشاف

ایجاد سازمان اقتصادی بین المللی متکی بر پرنسپهای همکاری و منافع متقابل در ساحه تجارت گردیدند. این مفکوره مورد پشتیبانی کشورهای رو به انکشاف قرار گرفت از جانب دیگر عدم توازن و فاصله روز افزون میان مردمان کشورهای انکشاف یافته و رو به انکشاف و اندیشه تقابل و از بین بردن این بی عادلانه اقتصادی جهانی با عت گردید تا سازمان ملل متحد دهم ۶۰ به بحیث نخستین دهم انکشاف بین المللی اعلام نماید. در این رابطه توجه خاص تمام کشور ها به مسایل تجارت و انکشاف معطوف گردید.

روی این ملحوظات شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در هفدهمین اسامبله عمومی ملل متحد در سال ۱۳۶۲ فیصله نمود تا کنفرانس ملل متحد برای تجارت و انکشاف تدوین گردد.

نظر به این فیصله اولین کنفرانس ملل متحد برای تجارت و انکشاف یا انگتاد

ششمین کنفرانس ملل متحد برای تجارت و انکشاف (انگتاد) به تاریخ ۶ جون در بلگراد دایر گردید که السی ۳۰ جون بکار خود دوام خواهد داد. جلسات مقدماتی آن قبلاً به تاریخ ۲ و ۳ جون در بلگراد انعقاد یافته بود.

در انگتاد ششم ۱۶۶ کشور اشتراک نموده اند که مطابق طرز العمل کنفرانس های انگتاد به چهار گروپ جداگانه تقسیم میشوند.

- گروپ ۷۷ یا گروپ بی که مشتمل از ۱۲۵ کشور روبه انکشاف بشمول یوگوسلاوی میباشد.

- گروپ بی: یا کشور های پیشرفته سرمایه داری غربی بشمول آمریکا، کانادا، استرالیا، زیلانده جدید و جاپان.

- گروپ دی: شامل ممال کشورهای پیشرفته سوسیالیستی بشمول منگولیا.

- گروپ سی: چین؛ همچنان یک تعداد سازمان های بین المللی نیز در این کنفرانس اشتراک نموده اند.

کشور های سوسیالیستی به منظور انکشاف تجارت خارجی و همکاری اقتصادی بین ممالک دارای سیستم های مختلف اقتصادی، اجتماع، در سال ۱۹۵۷ در صد



